هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال ششم | شمارهٔ هفتم | شنبه ۱۲ جوزا ۱۳۸٦ | ۱٦ جمادی الأول ۱٤۲۸ - | 02 June, 2007

سرمقاله

تأملی در فاجعهٔ جوزجان
ص۲

دغدغهٔ رئیس جمهور از حضور کدرهای مجاهدین در دانشگاه
ص۲

روز معلم فرصتی برای چاره جویی دشواری های آموزش وپرورش
ص۶

تظاهرات در شبرغان تلفاتی سنگین به جا گذاشت

تظاهرات در شبرغان مرکز ولایت جوزجان که ظاهرا در مخالفت با جمعه خان همدرد والی آن ولایت صورت گرفت به خشونت کشیده شد.

افراد وابسته به والی شبرغان علیه صدها تن از راه پیمایان روز ۷ جوزا آتش گشودند و تعداد زیادی را کشته و زخمی نمودند. تعداد کشته شدگان ۹ نفر و مجروحین ۵۰ تن اعلان گردیده است.

والی جوزجان، ژنرال عبدالرشید دوستم رهبر جنبش ملی اسلامی را متهم نمود که، به منظور امتیاز خواهی از دولت این تظاهرات را سازمان دهی نموده است. وی افزود: دوستم در ولسوالی های این ولایت مشغول مسلح ساختن طرفداران خویش است.

اما سخنگوی ژنرال دوستم با رد این اتهام می گوید، مردم به منظور احتجاج علیه بی کفایتی و فساد اداری دستگاه جمعه خان همدرد، اقدام به این تظاهرات نمودند. جمعه خان همدرد عضو حزب اسلامی حکمتیار و از متحدین سابق جنرال دوستم است وی قبل از ولایت جوزجان، عهده دار ولایت بغلان بود که در نتیجه اعتراضات گسترده مردمی در آن ولایت، برکنار گردید.



گفته می شود ژنرال دوستم که سالیان درازی کنترل برخی ولایات شمال را در دست داشته، از جداشدن فرماندهان و متحدان سابق خود که جای پای او را در شمال خالی می کنند، ناراضی است و در صدد تقویت نفوذ از دست رفته خود می باشد.

چند روز پیش احمد خان یکی دیگر از فرماندهان سابق جنبش، ژنرال عبدالرشید دوستم را متهم کرد که حادثه سوء قصد علیه وی را دوستم طرح ریزی نموده است، آنچه که از طرف سخنگویان جنبش رد شد.

حادثهٔ جوزجان یک بار دیگر ضعف و ناتوانی دستگاه انتظامی دولت را در فرونشاندن اعتراض های مردمی و راه پیمایی های مسالمت آمیز به نمایش گذاشت. در این تظاهرات افراد مسلح والی جوزجان قبل از هر وسیله دیگری برای پراگنده سازی تظاهرات، دست به شلیک و استعمال سلاح گرم زدند، که تلفات گسترده درمیان راه پیمایان به جا گذاشت.

چنین برخوردی از سوی مراجع دولتی می تواند وضعیت نسبتا آرام شمال را متزلزل سازد. دولت و نیروهای بین المللی باید به یاد داشته باشند که فرهنگ استفاده از سلاح و اقدام به مخالفت مسلحانه، هنوز هم با قوت خود در افغانستان پا برجاست. هر نوع اقدام و سیاست اشتباه آمیز می تواند کانونهای تشنج و بی ثباتی را به وجود آورد و وضعیت را بحرانی سازد.

اگر چنانچه مردم یک ولایت از کارکرد یک والی ناراضی باشند لازم است، دولت با این نارضایتی توجه کند و در جهت حل مشکل اقدام نماید.

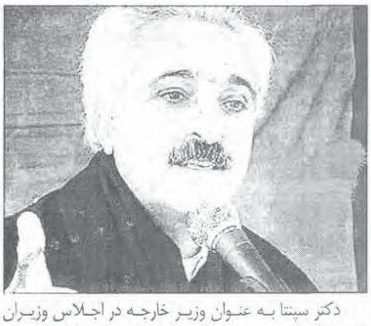
عکس العمل دولت در برابر تظاهر کننده گان و تلفات درمیان غیر نظامیان مورد انتقاد جریانهای سیاسی گردیده است. مصطفی کاظمی سخنگوی جبهه ملی در مصاحبه یی ضمن انتقاد از نحوهٔ عملکرد دولت در مقابله با تظاهرات جوزجان، اعزام نیروهای خارجی به آنجارا نا درست خواند.

گزارشی کوتاه از همایشی بزرگ در سالروز فتح استانبول

ص۵



سپنتا در اجلاس وزرای خارجهٔ گروه هشت شرکت کرد



دکتر سپنتا به عنوان وزیر خارجه در اجلاس وزیران خارجهٔ گروه هشت شرکت کرد. اجلاس وزرای خارجه گروه هشت جمع وزیران خارجهٔ افغانستان و پاکستان در شهر پوقدام آلمان به روز چهارشنبه ۸ جوزا برابر با ۳۱ می ۲۰۰۷ برگزار شد.

دعوت وزرای خارجه افغانستان و پاکستان در اجلاس گروه هشت، اهمیت مسائل افغانستان را در معاملات بین المللی منعکس می سازد. وزرای خارجهٔ گروه هشت در پایان این نشست در رابطه با برنامهٔ ابتکاری گروه هشت بعرای افغانستان و پاکستان اعلامیه یی مشترک صادر کردند تا پاکستان را متوجه تعهدات بین المللی آن کشور جهت مبارزه با تروریزم نمایند. (اعلامیهٔ گروه هشت در این زمینه را در صفحهٔ ۸ همین شماره بخوانید.)

دکتر سپنتا در حالی در این کنفرانس به عنوان وزیر خارجه شرکت می کند که از سوی مجلس نمایندگان سلب صلاحیت و کار او به عنوان وزیر خارجه از سوی رئیس مجلس نمایندگان غیر قانونی خوانده شده است. هرچند این رأی عدم اعتماد مجلس نمایندگان از سوی رئیس جمهور پذیرفته نشده و جهت تصمیم نهایی برای تبیین مطابقت آن با مفاد قانون اساسی به دیوان عالی قضا (ستره محکمه) فرستاده شده است، ولی این کار نشان می دهد که رئیس جمهور به فیصله های مجلس نمایندگان اعتنایی ندارد و مجلس نمایندگان هم مجدداً واکنشی در این زمینه نشان نداده است.

تصویب قانون جدید رسانه های همگانی و استقبال از آن

قانون جدید رسانه های همگانی پس از رأی زنی ها و بحث هایی دامنه دار در مجلس نمایندگان سر انجام به تاریخ اول جوزا به تصویب رسید.

پیش از تصویب قانون رسانه های همگانی نگرانی هایی در لایه هایی از جامعهٔ فرهنگی و روشنفکری به وجود آمده بود، چون طیف های مختلف دیدگاه هایی متفاوت دربارهٔ قانون رسانه ها داشتند و حکومت و به ویژه وزارت اطلاعات و فرهنگ در برخی از زمینه ها دیدگاه هایی داشت که به باور ژورنالیستان آزاد کار روزنامه نگاری را به محدودیت هایی مواجه می ساخت. اما شیوهٔ کار کمیسیون امور دینی و فرهنگی و تعلیم و تربیت مجلس نمایندگان بسیار ستودنی بود. آنان تقریباً آراء و نظریات تمام جناح های بسته به قانون رسانه ها را مورد بررسی و ارزیابی قرار دادند و کوشیدند همهٔ نقاط قوت دیدگاه های مختلف را مد نظر بگیرند. قانون رسانه های همگانی که در ۹ فصل و ۲۴ ماده به مجلس نمایندگان رفته بود پس از این بحث ها و درنگ ها سر انجام در ۱۱ فصل و ۵۳ ماده به تصویب رسید.

قانون رسانه های همگانی درمیان روزنامه نگاران به استقبالی گرم مواجه شده است. اتحادیهٔ ملی ژورنالیستان افغانستان روز شنبه ۵ جوزا طی نشستی حمایتش را از این قانون رسانه ها اعلام کرد هرچند جهت روشن شدن و زدودن ابهامهایی که در برخی از مواد آن وجود دارد و ممکن است از آنها تفسیراتی متعدد صورت بگیرد و در نهایت موجب اعمال سلیقه های افراد و نهادهایی شود، پیشنهادهایی را عنوان کرد.

یکی از موارد ابهام آمیز، برخی از فقرات و مقوله های مربوط به موضوع نشرات ممنوع است، مانند افتراء، وهتک حرمت، و توهین و تحقیر، و سلامت اخلاقی و روانی جامعه، که این ها در این قانون به گونهٔ روشن تعریف نشده است. اتحادیهٔ ملی ژورنالیستان افغانستان پیشنهاد کرده است که اینها و موارد مشابه آنها در ضمیمه یی تعریف شود و با قانون رسانه ها جهت تأیید و توشیح به سنا و رئیس جمهور تقدیم گردد.

یکی دیگر از موارد انتقاد در قانون جدید رسانه مسألهٔ "شورای عالی رسانه ها" و نحوهٔ ترکیب آن است. در قانون مصوب سال ۸۴ پنج عضو داشت که در قانون جدید ۱۲ عضو دارد و از جمله چهار وزارت اطلاعات و فرهنگ و حج و اوقاف و مخابرات و عدلیه در آن عضویت دارند، و این امر به باور برخی از روزنامه نگاران کفهٔ حضور حکومت را در آن سنگین می کند. اما چیزی که در آن تحولی مثبت تلقی می شود انتخابی شدن رئیس این شوراست. در قانون مصوب ۸۴ ریاست آن به عهدهٔ وزیر اطلاعات و فرهنگ بود.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر

آدرس : کابل- چهار راهی زنبق ـ هتل و رستورانت زنبق طلائی
صندوق پستی : ۲۲٦
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahidweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

تأملی در فاجعهٔ جوزجان

روز دوشنبه گذشته تظاهراتی در شبرغان مرکز ولایت جوزجان صورت گرفت که منجر به درگیری میان تظاهر کنندگان و نیروهای محافظ والی جوزجان، جمعه خان همدرد شد. در این درگیری بر بنیاد گزارش های متعدد ۹ تن از تظاهر کنندگان کشته و بیش از پنجاه نفر آنان زخمی و چندین پلیس هم مجروح شدند و تظاهرات به فاجعه تبدیل شد.

وزارت داخله طی اعلامیه یی این مظاهره را یک عمل غیر قانونی و عاملان آن را آشوبگران خواند و انان را بسته به ژنرال دوستم دانست در حالی که طرفداران ژنرال دوستم و مسؤولان جنبش ملی این کار را واکنش مردم در برابر بی کفایتی و قومگرایی و تعصب والی جوزجان جمعه خان همدرد وانمود کردند.

رئیس جمهور هیأتی را موظف کرده است تا در این باره تحقیقات کند. هر چند تا هنوز به گونهٔ قانونمند طرف مقصر در این درگیری مشخص نشده است ولی آنچه روشن است این است که این حادثه یک بار دیگر ضعف و ناتوانی حکومت را در ادارهٔ درست مظاهرات نشان داد و بحرانی جدید را در کشور ایجاد کرد.

این نخستین بار است که حکومت آقای کرزی و هواداران ژنرال دوستم این گونه در رویا رویی هم قرار می گیرند.

این درگیری در جوزجان در حالی صورت می پذیرد که طالبان، مخالفان مسلح دولت در جنوب و جنوب شرق هر روز بیشتر از پیش قوت می گیرند و دامنهٔ فعالیت های انتحاری و بمب گذاری شان را به سمال گسترش می دهند.

این درگیری نشان می دهد حکومت اقای کرزی نتوانسته است رضایت مردم جوزجان و حمایت انان را از حکومت کما کان نگه دارد.

حکومت باید پیوسته مراقب رابطه مردم و مدیران ارشدش در مرکز و ولایات باشد و نگذارد که این روابط تا مرز درگیری مسلحانه و خشونت پیش برود.

متأسفانه حکومت با سر دادن شعارهای مردم سالارانه هم در مرکز و هم در ولایات در مدیریت جامعه توجه به خواسته ها و رضایت مردم نداشته است و غالباً در ادارهٔ مسائل کشوری به شیوه های کهنه توسل می جوید، این شیوهٔ حکومتداری نه تنها جامعه را به سوی نهادینه کردن ارزش های مردم سالاری هدایت نمی کند بلکه به تضادها و جدال های قومی مانده از نظام های پیشین دامن می زند، مسأله یی که یکی از مهم ترین عوامل توسعه نیافتگی و بی ثباتی در افغانستان شناخته شده است.

رئیس جمهور باید در گزینش والیان و فرماندهان پلیس و مدیران بخش های مختلف حکومت در پهلوی توجه به توانایی های لازم علمی و اداری افراد به میزان فرهیختگی مردمی آنان نیز توجه کند و در نهایت خدمتگذاری آنان به مردم بیشتر از موارد دیگر مطمح نظر رئیس جمهور باشد. اما آنچه محسوس است کاملاً معکوس این مسأله است. تا کنون در گزینش مدیران ارشد حکومت چه در مرکز و چه در ولایات بیشتر به میزان وابستگی آنان به حلقاتی ویژه در کنار رئیس جمهور توجه شده است و در عمل شعارهای شایسته سالاری و ادارهٔ اصلاحات اداری ابزارهایی بوده است در خدمت همین شیوهٔ کهنهٔ حکومتداری، و حتی در برخی از ولایات برای مردم چنین تصوری دست داده است که حکومت امور آنان را به کسانی به "تکه داری" سپرده است که به جز از مجرای آنان نمی شود کاری انجام داد. و این تکه داران حکومتی غالباً در میان مردم بی مایه هستند و جز به بحران عدم اعتماد میان مردم و حکومت نمی افزایند.

مگر راستی می توان دم از شایسته سالاری و اصلاحات اداری زد و بعد والیانی را برای خدمت گذاری مردم برگزید که نه از سواد کافی بهره مند هستند و نه هم از شهرت مردمی؟

یکی از راه های مهم نهادینه کردن اعتماد میان مردم ولایات و حکومت مرکزی واگذاردن گزینش والیان به رأی و انتخاب مردم هر ولایت است. در این صورت است که والی خود را هم در برابر مردم مسؤول می داند و هم در برابر حکومت مرکزی، و می کوشد که پلی باشد میان مردم و حکومت.

اگر آقای کرزی در شیوهٔ حکومتداری اش به ویژه در امور ولایات تغییر نیاورد و به جای خواسته های مردم به خواسته های حلقاتی ویژه در حاشیه اش توجه کند بی تردید اوضاع در بسیاری از ولایات به سوی نارضایتی و بحران و بی ثباتی بیشتر سیر خواهد کرد.

دغدغهٔ رئیس جمهور از حضور کدرهای مجاهدین در دانشگاه ها

احمد فهیم

روز یکشنبه مؤرخ ۶ جوزا رئیس جمهور افغانستان آقای کرزی دیداری با استادان و محصلان دانشگاه های کابل داشت.

در این دیدار همهٔ دانشگاهیان انتظار آن را داشتند که رئیس جمهور اولویت را به شنیدن مشکلات دامنگیر این دانشگاه ها و استادان و دانشجویان خواهد داد ولی برخلاف، رئیس جمهور دغدغهٔ خویش را از راه اندازی فعالیت های سیاسی در دانشگاه ها ابراز داشت و حزب های جهادی و فعالیت های سیاسی آن ها را در محراق توجه قرار داده و به گونهٔ غیر مستقیم هشداری را متوجه آنان ساخت.

رئیس جمهور در این گردهمایی ضمن سخنرانی خویش نکات ذیل را عنوان کرد:

۱- دور بودن دانشگاه ها از فعالیت های سیاسی

۲- دغدغهٔ رئیس جمهور از حضور کدرهای مجاهدین از طریق انتخابات در سمت های رهبری بخش ها و فاکولته ها و دانشگاه ها

بی جا نخواهد بود درنگی پیرامون هر یک از این دو نقطه یاد شده صورت گیرد و ابعاد آن بررسی گردد. اگر بپذیریم که انسان آفریده یی است سیاسی ـ همان گونه که نظریه پردازان عرصه های دانش های سیاسی در درازای تاریخ بر آن تأکید ورزیده اند ـ و اگر بپذیریم که دانشگاه ها زمینه یی برای ظهور استعدادهای نهفته در انسان هاست، تا چراغی باشند برای سمت و سو دهی جامعهٔ محکوم به نادانی، ستم و بیکاری و فساد و رهایی از بلاهای ویرانگر.

بناءً بی جا نخواهد بود توسعهٔ سیاسی را که از بام تا شام برایش حرف می زند از شعار وارد میدان عمل سازیم و نظام مردم سالار را که همهٔ ذهن ها و زبان ها را به خود مشغول کرده است تا حدی جامهٔ عمل بپوشانیم. همان گونه که پیشتر بدان اشاره رفت، انسان موجودی است سیاسی و اجتماعی، و همین ویژگی اجتماعی بودن، او را وادار می سازد تا در پیوند به خویش و زندگی سیاسی خود اندیشه کند و مطابق به جایگاهی که در جامعه دارد، رأی و ما فی الضمیرش را اظهار کند.

طرح شعار توسعهٔ سیاسی با برون نگه داشتن مراکز دانشجویی از دائرهٔ آن، جز تحکیم پایه های خودکامگی در همهٔ عرصه های زندگی، پیام دیگری نمی تواند داشته باشد.

در جوامع کم بهره از دانش و سواد و محروم از آگاهی های سیاسی و اجتماعی، اگر قرار بر این رود که مراکز دانشجویی را از دست زدن به فعالیت های سیاسی محروم کرد، باید بر تئوری معصومیت نخبگان سیاسی مهر تأکید زد و این باور را در اذهان تلقین کرد که نباید عملکردهای نظام ها با تیغ های انتقاد درمیان طیف های مختلف مردم به ویژه نسل آگاه کالبد شگافی گردد.

طرح و ادامهٔ چنین سیاستی در جوامعی چون افغانستان و تازه رهایی یافته از نمادهایی از استبداد تداعی گر همان داستان پمبه کردن رشته ها می باشد و لاغیر، و شعارهای توسعهٔ سیاسی و... را تنها باید به عنوان یک شعار عوام فریبانه به خوانش گرفت و بس.

این یک اصل پذیرفتنی است که جریان های سیاسی نباید مبارزات سیاسی و مسالمت جویانهٔ خویش را به خشونت تبدیل کنند و بد را بدتر کنند اما این امر جدا از آن است که مراکز دانشجویی از

دانشجویی این حقیقت کاملاً آفتابی است که حرکت های سیاسی درمیان اقشار دانشجویی را به گونهٔ عموم شخصیت های رهبری کردند که درمیان همقطاران خود از جایگاه بالای علمی و درک وسیعی از مشکلات جامعهٔ خویش برخوردار بودند

فعالیت های سیاسی محروم گردند.

اینکه رئیس جمهور تمایل دانشجویان نالایق را به جریان های سیاسی و احزاب برجسته کرد، جای بحث است.

با مطالعهٔ تاریخ جنبش های دانشجویی این حقیقت کاملاً آفتابی است که حرکت های سیاسی درمیان اقشار دانشجویی را به گونهٔ عموم شخصیت های رهبری کردند که درمیان همقطاران خود از جایگاه بالای علمی و درک وسیعی از مشکلات جامعهٔ خویش برخوردار بودند.

دور نمی رویم در همین افغانستان در دهه های چهل و پنجاه خورشیدی قبل از خیزش مردمی در برابر حملات بیگانگان و ایادی آنان، حرکت های دانشجویی را در جریان راستی و چپی کسانی رهبری می کردند که نسبت به دیگران در سطح بالایی از آگاهی سیاسی و اجتماعی و لیاقت قرار داشتند. بناءً چنین برخوردی از

اینکه ما به انتخابات به حیث یک ارزش و وسیلهٔ تبارز ارادهٔ مردم تأکید می کنیم باید شهامت آن را داشته باشیم که به مشروعیت آن صحه بگذاریم. اگر کدرهای مجاهدین از طریق انتخابات در رهبری قرار گیرند نباید مایهٔ بروز نگرانی ها و دغدغه ها باشد و واکنش منفی در برابر راه اندازی انتخابات برای گزینش رهبری دانشگاه ها جز این که تیشه زدن به ریشهٔ نظام مردم سالار باشد چیزی دیگری نیست

طرف رئیس جمهور در برابر فعالیت های سیاسی دانشجویی جز سبک وزن کردن نقش دانشجویان در فراگیری دانش های مربوط به توسعهٔ سیاسی نمی تواند الهامگر چیزی دیگر باشد.

جمعیت اسلامی افغانستان به عنوان یک حزب مطرح جهادی که در فراز و فرود مبارزات آزادی بخش کشور آزمون های دشوار و سختی را سپری و در عمل ثابت کرده است که مصلحت ملی و منافع علیای وطن را هرگز قربان مصالح شخصی و گروهی خود نکرده است. جریانات اخیر کشور خود بیانگر آن است که مجاهدین تا چه حدی بر مصلحت ملی می اندیشد و در چه سطحی منافع ملی را در اندیشه و عمل تبارز می دهند، البته هستند ذهن ها و زبان هایی که همه قربانی های ملت خویش را به پای دیگران می بندند و همه حماسه آفرینی های راستین فرزندان آن را نادیده می انگارند تا به زعم خود دیگران را هم همسنگ خود سازند، اما حوادث جاری در کشور نشانگر آن است که نقش اصلی را در هر تحولی نیروهای مطرح و صادق ملی بازی می کنند، نه نیروهای بیرونی که با ملاک قرار دادن منفعت و مصالح خود جبهه یی را ترک و جبهه یی را بر می گزینند.

نکتهٔ دیگری که در بیانات رئیس جمهور توجه را جلب می کرد دغدغهٔ او از حضور کدرهای مجاهدین از طریق انتخابات در سمت رهبری دیپارتمنت ها و دانشگاه ها بود.

رئیس جمهور آقای کرزی تأکید کرد بر انتخابات باور دارد، ولی او دغدغه داشت که نشود اعضای احزابی مانند جمعیت اسلامی که تعداد زیادی از آنها در این مراکز هستند بازی انتخابات را به نفع خود بچرخانند. در این مورد چند نکته را باید پرداخت:

۱- اینکه ما به انتخابات به حیث یک ارزش و وسیلهٔ تبارز ارادهٔ مردم تأکید می کنیم باید شهامت آن را داشته باشیم که به مشروعیت آن صحه بگذاریم. اگر کدرهای مجاهدین از طریق انتخابات در رهبری قرار گیرند نباید مایهٔ بروز نگرانی ها و دغدغه ها باشد و واکنش منفی در برابر راه اندازی انتخابات برای گزینش رهبری دانشگاه ها جز این که تیشه زدن به ریشهٔ نظام مردم سالار باشد چیزی دیگری نیست.

۲- اگر به گفتهٔ رئیس جمهور حضور کدرهای مجاهدین از احزاب مطرح جهادی به ویژه جمعیت در دانشگاه ها چشمگیر است نباید این امر موجب تشویش آقای کرزی قرار گیرد، اگر کدرهای مجاهد در دانشگاه ها جاگزین شده اند از مجاری قانونی وارد شده و پس از طی مراحل ارزیابی اسناد علمی شان و مانع تراشی های فراوان شامل فهرست کدرها شده اند و ورود کدرهای مجاهدین در دانشگاه ها به سان ورود اعضایی از کابینه آسان نبوده است که با اسناد اکادمیک تقلبی و برخی بدون اسناد معتبر علمی برخلاف قانون اساسی وارد کابینه شدند.

در اخیر یک بار دیگر باید تأکید کرد به دور نگه داشتن دانشگاه ها از توجه به امور سیاسی نه تنها مشروعیت مردم سالاری نظام حاکم را زیر سؤال می برد که زمینه ساز آن خواهد شد که نسل جوان با این جلوگیری ها در تدارک راه دیگری شود و زمینه فراهم شود برای بحرانی دیگر که تصورش هم نمی رود.

د "ملي جبهې" جوړولو نړيوال سياسي فعاليتونه راتوند کړل

عبدالواسع

د دې لپاره چې د هېواد ستونزې له قانوني لارې نه اوارې شي د جهاد او مقاومت د ملي لارښود استاد رباني په نوښت "ملی جبهه" جوړه شوه او خپل منشور يې په ډاګه کړ

په دې وروستيو کې د آلمان او ايتاليا د بهرنيو چارو وزيران افغانستان ته په سفر راغلي وو، او د آلمان لومړی وزير په کندوز ولايت کې له خپلو سرتېرو سره وکتل. چې د ثور په ۲۹ مه د يو خانمرګي بريد له امله درې تنه يې وژل شوی وو، او کتونکي د هغه دا ليدنه د خپلو پوځيانو د روحيې د غښتلتيا او له افغانستان څخه د ملاتړ لپاره تعبيروي.

ښاغلي فرانک شتاين هاير د جوزا په لومړی په يوه خبري غونډه کې وويل: "د روانې عيسوي مياشتې په پای کې په آلمان کې د اتو سترو صنعتي هېوادونه سر مشريزه غونډه جوړيږي او د دې لپاره چې د افغانستان او پاکستان تر منځ اړيکې ښه او همکاری زياتې شي؛ نو له دواړو هېوادونو څخه غواړو، چې دې غونډه ته د بهرنيو چارو مسوولين راوليږي."

اوس مهال آلمان د اتو سترو صنعتي هېوادونو مشري پر غاړه لري او له افغانستان او پاکستان څخه بلنه يې دا رابښي. چې يو ځل بيا د نړيوالو پام افغانستان ته را واړوي او پر دې سربېره دا په نښه کوي، چې د دولت د وسله والو مخالفينو هډې او روزنځايونه له پولي اخوا په پاکستان کې دي: نو څکه د پاکستان له همکاری نه پرته په افغانستان کې د امنيت او ثبات راوستل ناشوني دي. بلخوا په نړيواله کچه دا پر پاکستان يو ډول دباو دی چې بايد په خپله افغاني پاليسی کې له سره کتنه وکړي. د پاکستان دلاسوهنو په باب خپله د هغه هېواد سياسي او ديني مشران هم اعتراف کوي لکه د ثور په ۳۱ مه د پاکستان د جماعت اسلامي مشر قاضي حسين احمد ويلي چې: "پاکستاني چارواکيو په افغانستان کې لاس وهي، چې دا د دولت ناکامه پاليسی ده " او دغسی خبرې د پاکستان ديني، منځلاريو ګوندونو او د مسلم ليګ مشرانو هم په وار وار تکرار کړي دي.

د ايتاليا د بهرنيو چارو وزير له ولسمشر سره په کتنه کې هغه ته بلنه ورکړه چې د جولای په مياشت کې په روم کې په جوړېدونکې نړيوالې غونډې کې ګډون وکړي.

سياسي څېرونکې په دې عقيده دي چې د بن پرېکړه ليک نيمګړتياوې لرلې، دولت پر چارو قابو نه دی، د هېواد ستونزې له امنيتي او اداري پلوه ورځ تر ورځ زياتيږي

امنيت دومره خراب شوی چې خينې له ماښام هغه خوا د خيرخانی کوتل ته د ورتګ زړه نه شي ښه کولای، د دولت د اداري فساد کچه دومره لوړه شوي. چې د تيرو وختونو نظامونه يې په ګرد پسې نه شي رسېدلای.

د شپې غله د پوليسو په جامو کې او يا کله کله خپله پوليس په کابل ښار کې په چور لاس پورې کړی دي. هيڅوک نه پوهيږي چې دا په ملياردونو بهرنی مرستې چيرته ځي، د دفاع وزارت پنځه څلويښت زره تکړه افسران او د کورنيو چارو وزارت اووه نيم زره تنه صاحب منصبان پر بيکاری ورسيخ کړل که د دوی د کورنيو غړي هم ورسره وشمېرل شي نو اوس مهال دوه سوه او پنځوس زره هېوادوال په بېوزلی کې ژوند کوي.

خپله ولسمشر هم. ګيله کوي. چې خينې دولتي مسوولين يې د پرديو خرې دي: نو څکه د همدې نادودو په غبرګون کې او د دې لپاره چې د هېواد ستونزې له قانوني لارې نه اوارې شي د جهاد او مقاومت د ملي لارښود استاد رباني په نوښت "ملی جبهه" جوړه شوه او خپل منشور يې په ډاګه کړ. او سياسي کتونکی په دې عقيده دي چې د "ملي جبهې" له جوړېدو نه دا څرګندېږی چې اوس نړيواله ټولنه هم متوجه شوي. چې بايد د افغانستان په اړه په خپلو کړنو او سياستونو کې نوی کتنه وکړي: نو څکه يې په روم کې نړيواله غونډه رابللی ده. اوس چې ديوې نړيوالی غونډې لپاره شرايط برابر شوي دي: نو هيله ده. چې د نظر خاوندان د رسنيو له لارې نه په تخصصي توګه د اجندا لپاره خپل وړانديزونه او د حل لارې اعلان کړي او هم له غونډې تمه ده چې د تيرو پنځو شپږو کلونو د تېر وتنو په پام کې نيوو سره به. داسې د حل لارې راوباسي چې زمونږ د ننني ستونزې اوارې. له دولت سره وسله وال مقاومت پای ته ورسيږي. له ګاونډيو سره د خينو شتو ستونزو د اوارې لپاره مخه خلاصه شي او همدا رنګه د ملي اردو او ملي پوليسو تر جوړېدو وروسته د نړيوال سوله ساتي ځواک د وتو لپاره مهال ويش په نښه کړای شي

رئيس جمهور، پارلمان وقانون اساسی

وحمد مزدد

در لویه جرگهء قانون اساسی. یکی از مسایل مهمی که حتی موجب به بن بست کشیده شدن آن جرگه گردید، اختلاف اعضای جرگه برسر شکل نظام دولتی در کشور بود. جمعی به این باور بودند که برای کشوری چون افغانستان، بهترین نظام حاکم، نظام ریاستی است در حالیکه برعکس جمع دیگر. نظام صدارتی را برای کشوری مانند افغانستان. بهترین نظام می دانستند.

اختلاف بر سر این موضوع کار را بجائی رسانید که هواداران نظام ریاستی حتی جانبداری از این مسله را با حال وهوای قومی مطرح کردند و در نتیجه این خطر بمیان امد که شاید لویه جرگه نتواند به نتیجه ای دست یابد اما سرانجام جرگه با کوتاه آمدن از هردو جانب. و تبادلهء امتیازات به نتیجه ای رسید که زیاد هم دلخواه نبود.

یک گروه با گرفتن این امتیاز که باید سرود ملی به زبان پشتو باشد. به طرف مقابل این امتیاز را دادند که نظام حاکم بر کشور نه زیاد ریاستی باشد و نه هم صدارتی! خطی که این دو نظام را باید از هم جدا سازد در محل کاملا نامشخصی قرار گرفت: به این معنی که در حالیکه نظام ریاستی است. اما رئیس جمهور حق انحلال پارلمان را ندارد. پارلمان باید به اعضای حکومت رای تائید یا رد بدهد و می تواند آنها را استیضاح و رد صلاحیت کند اما اینکه در مقابل، رئیس جمهور باید تا کدام حد از تصامیم پارلمان در این زمینه اطاعت نماید، مسئلهء مهمی بود که در قانون اساسی بی جواب باقی ماند.

بی اعتنائی به فیصله های قوهء مقننه به وسیلهء قوهء اجرائیه، بروشنی نمایانگر تلاش رئیس جمهور برای تثبیت موقعیت خویش بعنوان گردانندهء یک نظام ریاستی است اما همین رئیس جمهور که در برابر فیصله های نمایندگان مردم اینهمه با بی اعتنائی برخورد دارد، در برابر اقدامات غیرقانونی خارجیان روشی دارد که نیازی به توضیح ندارد.

هرکسی که مسلط به زبان های دری و یا پشتو باشد، حتی اگر حقوقدان هم نباشد با مطالعهء مادهء یکصد وبیست ویک قانون اساسی می تواند دریابد که ستره محکمه صلاحیت تفسیر قانون اساسی را ندارد اما در این کشور سالهاست که روال کار بر قانون شکنی استوار بوده و این بار قانون شکنی با تفسیر بالرای از قانون صورت می گیرد این در حالیست که کسانی که در تدوین مسودهء قانون اساسی کار کرده اند. این نوع تفسیر را که باید قانون برای تفسیر به ستره محکمه فرستاده شود. نمی پذیرند.

مسئلهء نهایت حساسی که در همان زمان بوسیلهء بعضی از دوستان مطرح شد (وصاحب این قلم نیز مقاله ای در آن زمان نوشت) این بود که اگر میان رئیس جمهور و پارلمان مشکلی بوجود آید که راه حلی برای آن یافت نشود، این بن بست چگونه درهم خواهد شکست و بحران سیاسی که به این ترتیب بوجود می اید، چگونه و توسط کدام مقام مدیریت خواهد شد؟

به نظر می رسد که اکنون زمان این بحران فرا رسیده است. در حالیکه پارلمان از دو وزیر کابینهء کرزی سلب اعتماد نمود. کرزی قضیه، وزیر خارجه را به ستره محکمه فرستاد و وزیر امور مهاجرین را مجددا به سرپرستی گماشت. رئیس ولسی جرگه اقای محمد یونس قانونی این فیصله، ولسی جرگه را علنا اعلام نمود که اقای سپنتا بیش از این وزیر خارجه، افغانستان نبوده و کار وی در وزارت خارجه حیثیت قانونی ندارد اما سپنتا طی اعلامیه ای این سخنان قانونی را رد کرد. کرزی نیز در سفر رسمی به خارج، سپنتا را بعنوان وزیر خارجه در هیئات معیتی خویش شامل نمود و با خود برد تا فیصلهء قوهء مقننه را به باد تمسخر گرفته باشد.

بی اعتنائی به فیصله های قوهء مقننه به وسیلهء قوهء اجرائیه، بروشنی نمایانگر تلاش رئیس جمهور برای تثبیت موقعیت خویش بعنوان گردانندهء یک نظام ریاستی است اما همین رئیس جمهور که در برابر فیصله های نمایندگان مردم اینهمه با بی اعتنائی برخورد دارد. در برابر اقدامات غیرقانونی خارجیان روشی دارد که نیازی به توضیح ندارد.

هدف پارلمان از استیضاح این دو وزیر این بود تا در کنار اینکه دو وزیری را که توان کاری ندارند از کابینه کنار بزنند، به وزرای دیگر این نکته را گوشزد نماید که باید بیشتر کار کنند. اما رئیس جمهور با دفاع از این دو، در حقیقت می خواهد حالت موجود که کشور را به بحران کشیده، حفظ شود.

یکی از دست اورد های مهمی که تاکنون دولت اقای کرزی مدعی تحقق ان در جامعه بوده است مسئلهء حاکمیت قانون است. انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی که بخش مهمی از کمک های جامعهء جهانی را بلعید. از پروژه های مهمی بود که در این کشور جنگ زده بعنوان یک پیروزی بزرگ در جهت حرکت بسوی دیموکراسی تلقی گردید و جورج بوش از آن بعنوان یک پیروزی بزرگ سیاست های خویش در افغانستان نام برد اما اکنون یکبار دیگر این حقیقت به اثبات می رسد که پول هائی که برای طنین انداختن شعار های دیموکراسی در افغانستان به مصرف رسید، بازتابی در عمل نداشته است. زیرا آنهائی که باید مجری سیاست های تطبیق دیموکراسی در این کشور باشند. خود به تحقق این شعار ها باور ندارند. دیموکراسی خوب است اما بشرطی که خواست های من در آن تحقق یابد و دوستان شخصی من. قطع نظر از اینکه توان کاری دارند یا ندارند، باید در تیم بیکاری من شامل باشند!

نکتهء جالب در این ماجرا اینست که بخش بزرگی از هواداران اقای کرزی در ولسی جرگه نیز به دو وزیر موصوف رای صلب صلاحیت دادند و این به عصبانیت کرزی در برابر پارلمان افزوده است.

نقش آقای فاروق وردگ وزیر امور پارلمانی نیز در این ماجرا قابل دقت است. پس از اینکه در روز پنجشنبه سرنوشت وزارت آقای سپنتا بخاطر یک رای مشکوک به روز شنبه موکول گردید. گفته می شود که وزیر امور پارلمانی به دستور رئیس جمهور به شماری از وکلائی که در روز رای گیری در مجلس حاضر نبودند تیلفونی خبر داد که روز شنبه به مجلس حاضر شوند. اما اینکه این وکلا هم با حضور در مجلس و دادن رای منفی. کار سپنتا را خرابتر کردند، جای سوال دارد. از بعضی از این وکلا نقل قول شده که آقای وردگ به آنها نگفته بود که به سپنتا رای رد صلاحیت ندهند. آیا آقای وردگ ذکر مسئلهء با این اهمیت را فراموش کرده بود و یا اینکه گمان داشت نیازی به ذکر این مسئله نیست زیرا وکلا خود از مافی ضمیر رئیس جمهور آگاه اند!

بهرحال اکنون مردم به عکس العمل پارلمان در این مورد چشم دوخته اند تا ببینند که نمایندگان شان دربرابر این اقدام رئیس جمهور چه عکس العملی نشان خواهند داد؟

این مرثیه را که درپی وفات دردناک استادسخن، خلیلی نامدار سروده بودم، دوباره به روان عاشق آن اعجوبهء سخن تقدیم می نمایم ؛ بزرگ استادی که یکه تاز میدان شعر وادب معاصر بود وفردوسی حماسه سازان دلیرمیدانهای نبرد علیه کمونزم جنایتکاروزبان دردها ومصیبت های ملت دردمندش.

شهسوار سخن

عبدالأحد تارشی

چه سنگ است این دل خونین ما کزغم نمی میرد
زخون اشامی وسفاکی ماتم نمی میرد
پیاپی کاروان درد می کوبد در دل را
مگر این خونچکان از حملهء پیهم نمی میرد
چه طوفانها که پرپر کرد باغ هستی مارا
ولی این قطره خون این لاله گون شبنم نمی میرد
بسان شمع می سوزد زصدها درد پیوسته
چرا از یک شرار جان ستان یکدم نمی میرد
زاه شعله افشانی که از دلهای ما خیزد
نمی سوزد چرا دنیا، چرا عالم نمی میرد
به زخم سینهء ما زهرغم هارا دواگفتند
شگفتا دل میان سینه زین مرهم نمی میرد
یکی می گفت گلزار ادب هرگز نمی خشکد
بمیرد هرچه ، لیک این گلشن خرم نمی میرد
ولی ای وای درسوگ ادب بنشسته ایم اینک
دل بشکسته را بار دگربشکسته ایم اینک
سخن جان داده چون گردیده استاد سخن خاموش
ادب مرده که خورشیدش شده در انجمن خاموش
نخیزد عطر جانپرور دگر از بوستان شعر
که گشته بلبل خوشخوان این رنگین چمن خاموش
جهان علم گردید اسمان تا اسمان تاریک
نمی گویم که تنها گشته مهتاب وطن خاموش
زبان ملت اغشته درخون ماند از گفتار
فغان سینه سوزامت گلگون کفن خاموش
چرا دیگر نمی نالد زهجر یوسف کشور
مگر یعقوب ما خوابید وشد بیت الحزن خاموش
کجا شد انکه در سیلاب اشک خویش می غلتید
چرا شد پیکر رنج وغم ودرد ومحن خاموش

بحال مردم آتش بجان خویش می نالید
چرا آتش بجانها زد شد ان کام ودهن خاموش
کی گلگون می کند زین پس بخون دیده دفتر را
کی موزون می نماید رنج روز افزون کشور را
به درد مادران گشته در خون تر کی می گرید
برای کودکان زار بی مادر کی می گرید
چو استاد معانی سر بخاک تیره بنهاده
به موزون قامتان تن جدا از سر کی می گرید
کی شعر آسمانی در عزای خاک می سازد
به چاک سینه های مردم کشور کی می گرید
قیامت می کند برپا کی از اشعار خونبارش
بیاد جنتی کانجا بود محشر کی می گرید
به گلگون جامگان سروقد قهرمان ما
که جان در راه حق دادند درسنگر کی می گرید
کی در بحر غزل از گریه طوفان می کند جاری
زچشمان قصیده خرمن اخگر کی می گرید
کی شهر شعر را " ماتمسرای" خویش می سازد *
به سوگ کشتگان کافراحمر کی می گرید
کی باشد کارش از درد وطن با "اشکها خونها" **
به قلبش داغ خرمن ها، به چشمش اشک جیحون ها
بجوئیم ازکی دیگر شرح رزم قهرمانان را
بیان صحنه های جنگ سنگر های ایمان را
کنون کز خامهء استاد شعر تر نمی ریزد
کی رسوا می کند نیرنگ های سرخ شیطان را

دریغا زان سرانگشتی که تا می شد بجنبیدن
بروی صفحه می آورد صد خورشید تابان را
چو بگرفتی قلم بهرثنای لشکر توحید
نمودی دررگ الفاظ جاری آب حیوان را
باوج اسمان غیرت ومردانگی می برد
حماسی شعرهای او علمداران قرآن را
تو ای فردوسی آتش زبان ما کجا رفتی
کی بنویسد کنون شهنامهء شیران یزدان را
کی از هرکوچهء تاریخ با روشن چراغ شعر
برد تا رزمگاه بدر وخیبر شیرمردان را ***
سخنهای درافشان کی گردد ورد سنگرها
شکافد قلب اعدا را بسان نوک خنجرها
فراز کوهساران بخون آغشتهء کشور
به ویران شهرها کزظلم دشمن گشت خاکستر
کدامین مرغ معنی می کند پرواز با تندی
بجز شاهین اشعار مهین استاد دانشور
دگر شعر کی بوی کشتگان عشق خواهد داد
درخشد از سخنهای کی برق نیزه وخنجر
به شام تیرهء آوارگان از اشک تابانش
کی ریزد بعد ازین با کهکشان شعر خود اختر
صبا از ما بگو درخاک میهن آبشاران را
که سیلاب سرشک خویشتن ریزند خونین تر
به دریا ها بگو سرهای خود بر صخره ها کوبند
بگریند از دل پردرد بیش از فرصت دیگر

به بستانهای دایم شعله ور از وحشت دشمن
گلی باقی اگر باشد بگو از غم شود پرپر
که فرزند سخندان وطن رفت از جهان ما
ازان سوزد زدرد سینه مغز استخوان ما
بما جز رنج دور روزگار آورده ناورده
دمی آرامش قلب فگار آورده ناورده
درخت زندگانی اندرین ده سال وحشتبار
بجز مرگ عزیزان برگ وبار آورده ناورده
دبستان ادب تا گشته مضمونش سرشک وخون
بغیر از شاعران سوگوار آورده ناورده
زمان ما ازین آتش نفسهای سخن پرداز
یکی همچون خلیلی نامدار آورده ناورده
وطن دارد بسی سنگرنشین شهسوار اما
نظیرش درسخن یک شهسوار آورده ناورده
زآتشخانهء دل ازمیان شعله های درد
کسی چون وی کلام آبدار آورده ناورده
زاعجاز سخن اندر خزان عمر چون استاد
کسی درشعر رزمی نوبهار آورده ناورده
بزرگ استاد ما جایت بهشت جاودان بادا
به محشر رحمت پروردگارت سایبان بادا

*** - ** - *** ماتمسرا واشکها وخونها اسمای دومجموعهء شعری استاد مرحوم هستند که درهجرت وبرای مجاهدین قهرمان ودرشرح دردها ورنجهای ملت مظلوم خود سروده بودند.**

درین بند یکی دوبار قافیهء شایگان خفی وجلی بکار برده شده که قدما آن راشایسته نمی دانستند ولی اکنون این قاعده رعایت نمی شود.

سیری در قلمرو ادب حماسی

به ادامه بحث پیرامون (نقش دعا درپیروزی جهاد ومقاومت)

عبدالقیوم ملکزاد

بخش نهم و پایانی

برخی مددخواستن ازغیرخدا را به تجویز نسخهء دوا و داکتر تاویل کرده و فریاد رس واقعی را خداوند یکتا و کارساز وانمود می سازند و به پاسخ این گفته به این فرمودهٔ قران عظیم الشان متمسک می گردند، که درایهٔ ۸۰ سورهء مبارکهٔ شعراء این طور ارشاد می فرماید: "وهنگامی که بیمار شوم اوست که مرا شفا می دهد".

می گویند که اعتقاد مسلمان باید به این بنا استوار باشد که، دوا به ذات خود شفا بخش نیست، بلکه وسیلهء شفا و بر طرف کنندهٔ بیماری می باشد!

اخیراً رساله ای به دسترسم قرار گرفت تحت عنوان "تحفه ا لابرار فی الأدعیه والاذکار" که توسط استاد جوانی به نام "معتصم بالله اکرامی فرزند استاد بزرگوار شیخ القرآن و الحدیث جناب مولوی اکرام الدین" که وی در رابطه با فرقی که بین درخواست و تقا ضا از مرده و زنده وجود داشته و راجع به درست نبودن توسل به مرده ، مطلبی دارد ، که با هم می خوانیم :

"بزرگترین دلیل بر این که درخواست و تقاضا از زنده با مرده فرق دارد. عملکرد حضرت عمر است. هنگامی که مردم در عصر ایشان با قحطی رو برو شدند. پس انحضرت از حضرت عباس "رضی الله عنه" عموی پیامبر علیه السلام تقاضا به عمل آورد تا برای ایشان دعا نمایند و از پیامبر اکرم "صلی الله علیه وسلم" - که در آن هنگام رحلت فرموده بودند- چیزی نخواست. هرگاه دعا به غیر از خدا جایز می بود، حضرت عمر "رضی الله عنه" باید به پیغمبر بزرگوار اسلام توسل می جست. ولی چنین نکرد. و این واضح می سازد که توسل به مردگان و دعای ایشان جواز ندارد."

بااین توضیح باید گفت متاسفانه یکی از مسایلی که درکشور ما به گونهٔ چشمگیر مروج می باشد. این است که برخی برای ادای راز و نیاز و استغاثه. درحالی که نذرها و قربانی هایی هم به گردن می گیرند. به پای مزاراتی می افتند و با چشمانی اشک آلود و تا سرحد سجده و تعظیم، خواستار رفع مشکلات و بر آورده شدن حاجات و نیازهای شان می شوند که این شیوه کاملاً ناروا و حرام است!

اگر چنین عذر و زاری و تضرع را به درگاه خدا انجام دهند. لطف خدا دستگیر انها می شود و تنها به مدد او تعالی است که ، به آنچه خواهندهء آنند. دست می یابند و از قهر خدا نیز در امان می مانند.

بندهء مومن وقتی به تفاسیر قرآن عظیم الشان و تاریخ ملل گذشته. مراجعه نماید و اسباب هلاکت و نابودی امت های پیشین را به بررسی گیرد، متوجه خواهد شد که گاهی مرتکب چه گناه ها و خطاهایی بزرگ می شود.

یکی از نمونه های تباهی ، که می تواند درسی بسیار بزرگ و آموزنده برای نسل امروز جامعهٔ ما باشد. هلاکت قوم حضرت نوح علیه السلام است و ما باید جداً به مفاهیم قران و ارشادات پیامبر بزرگ و گرامی خدا و به محتویات ارزشمند چنان قصه ها و داستان های عبرتناک توجه به خرج دهیم و اسباب ذلت و خواری خود را در روشنی آن بررسی نماییم.

چه آغوش است یارب موجهء دریای رحمت را
که هرکس ره ندارد هیچ سو ، سوی تو می آید

***

آیا دعا برای ترس است ؟

مومن هیچگاه از رحمت خدا مأیوس نمی شود. هرگاه کسی از رحمت و کشایش خداوندی نومید شد، به مفهوم آن است که زمینهء انکار از قدرت مطلقهء قادر یکتا را . برای عقیده اش فراهم ساخته و در پرتگاه گمراهی سقوط کرده است .

اینکه انسان خداشناس برای رفع مشکلات و کشوده شدن دروازه های رحمت خدا ، خصوصا در حالاتی که سایهٔ و همناک وحشت و مصایب بر او چیره می شود، چارد را فقط در این می داند که دست نیازش را به سوی خدا دراز و از او طلب کشایش کند و این کمال ایمانداری او تلقی شده و بیانگر آن می باشد که این شخص به عقیدهٔ راسخ و خلل ناپذیری آراسته است و هیچ چیزی و هیچ کس دیگری جز خدا را . برطرف کننده و حلال مشکلات قبول ندارد. و معتقد است که مؤمن حقیقت جو و واقعی آن است که تسلیم همه جانبه به قدرت همهٔ جانبه داشته باشد.

انسان در برابر مصایب جز چنگ زدن به ریسمان صبر و بردباری. چاره یی ندارد. صبر در هنگام مشکلات و تنها شکوه بردن به پیشگاه خدا و درد دل و راز و نیاز کردن با آن ذات یگانه و مهربان، موجب نایل شدن به اجر و پاداش خداوندی است.

حضرت یعقوب "علیه السلام" به فرزندان خود فرمان می دهد که برای جستجوی حضرت یوسف "علیه السلام" و برادرش از خانهٔ خویش بیرون روند و با امید و توکل به رحمت و گشایش خداوندی، به جستجوی او بپردازند. تا عنایت خداوندی شامل حال ایشان گردد و گوهر مقصود فراچنگ شان آید.

چنانچه درتفاسیر می خوانیم :

برادران حضرت یوسف نه تنها امیدی برای پیدا کردن آن حضرت نداشتند. بلکه حتی باور شان در زنده ماندن آن، دستخوش تردید وتزلزل بود ! زیرا . آنها خود تصمیم به نا بودی ان گرفته بودند.

نبودن ایقان کامل بر مرده و یازنده بودن ان. و یا اینکه در صورت زنده بودن، درکجای این دنیای بهناور از او می توانستند سراغی به دست اورند! فلهذا درحیرت عمیق فرو رفتند. چون ایشان از براورده شدن این ماموریت خود را کاملاً عاجز می دانستند.

اما حضرت یعقوب علیه السلام با اتکا به ایمان قوی یی که خداوند به ضمیر پاک او به و دیعه کذاشته بود ، باور داشت که پسرش (حضرت یوسف علیه السلام) درقید حیات به سر می برد. فلهذا فرمود: هیچگاه نباید از رحمت و گشایش خداوند نا امید شد. درست است که بنا به عادت و حکم ظاهری، رد یابی حضرت یوسف ، کاری است ناممکن! اما چیزی که برهر امر محال زمینهء امکان و شدن را مساعد می سازد. تکیه کردن به خدا و باور به قدرت لایزال اوست.

مطالعهٔ قصه حضرت یوسف علیه السلام متضمن درسی است بزرگ برای مؤمنان و خداشناسان. که هیچگاد انسان در برابر شداید و مشکلات و گرفتارشدن به بلایا مأیوس نمی شود. بلکه آن را بازتاب تقویت ایمان و باور خود می انگارد و دروازهٔ رحمت خدا را به منظور نجات از ترس و نگرانی نه، بلکه برای کسب اطمینان بیشتر و تقرب به بارگاه آن ذات یگانه، مصرانه و هرچه بیشتر دق الباب می کند.

ای قبلهء هرکه مقبل آمد کویت
روی دل جمله بختیاران سویت
امروز کسی کزتو بگرداند روی
فردا به کدام دیده بیند رویت ؟

گزارشی کوتاه از همایشی بزرگ سالروز فتح استانبول

شرکت محمد نسیم فقیری به نمایندگی از استاد ربانی و جمعیت اسلامی افغانستان

امسال نیز مانند گذشته، سالروز فتح استانبول با شکوه تمامتر گرامی داشته شد ولی به دلیل آمادگی ها برای انتخابات، به جای استانبول که همواره در آنجا برگزار می گردید امسال شهر انقره پایتخت ترکیه میزبان این همایش بزرگ و با شکوه بود.

سازمان جوانان اناتولی وابسته به حزب سعادت از رهبری جمعیت اسلامی افغانستان دعوت به عمل آورده بود تا در مراسم گرامیداشت پانصد و پنجاه و چهارمین سالروز فتح تاریخی استانبول به دست سلطان محمد فاتح، اشتراک نمایند. رهبر جمعیت بنابر مشغولیت هایی که داشتند، لازم دیدند تا بنده (محمد نسیم فقیری) در این مراسم از ایشان و جمعیت اسلامی نمایندگی نمایم.

عصر روز شنبه ۲۶ ماه می برابر با پنجم جوزا مراسم بزرگداشت از فتح تاریخی استانبول در استدیوم وامی شهر انقره با شرکت ده ها هزار زن و مرد و عمدتاً جوانان با سرود و شعار وفریاد و هلهله آغاز گردید و تا پاسی از شب ادامه داشت.

زمانی که موکب پروفیسور نجم الدین اربکان بنیانگذار، و رجایی کوتان رهبر حزب سعادت وارد استدیوم شد، صدای بلند و پر خروش جوانان که همه یکصدا فریاد می کشیدند، مجاهد اربکان، مجاهد اربکان در فضا طنین افگند. این

جوانان به صورت منظم در پله های استدیوم با تکان دادن پرچم های ترکیه و حزب سعادت مقدم رهبران شان را گرامی داشتند و موکب دایره استدیوم را دور زد و به احساسات و فریادها و شعارهای هوا داران با تکان دست پاسخ داده شد.

همزمان نطاقان و شعر گویان و شعار دهندگان موظف از پشت دو تریبون در چمن ورزشگاه که مقابل لوژ قرار گرفته بود، با صدای بلند و رسا و با شور و حرارت وصف انگیز و بدون سکتگی مردم را با هیجان می آوردند.

مراسم با تلاوت آیات سوره هایی آخر قرآن عظیم الشأن آغاز یافت و به دنبال آن رئیس سازمان جوانان اناتولی به حاضران و مهمانان خیر مقدم گفت.

بعد رئیس حزب سعادت آقای رجایی کوتان به ایراد سخن پرداخت و با ختم بیانیهٔ او از پروفیسور اربکان خواسته شد که در مورد اهمیت تاریخی فتح استانبول سخنرانی نماید.

پروفیسور که به دلیل کبر سن و بیماری به مشکل می تواند راه برود، سخنان مبسوطی ایراد نمود که از آغاز با شعارهای بلند و یکصدا تأیید و تحسین می گردید.

از جملهٔ مهمانان این همایش بزرگ، نخست به دکتر صمدی حسن عضو پارلمان و سخنگوی گروه پارلمانی اخوان المسلمین مصر وقت داده شد و بعد آقای عبدالغفار عزیز مسؤول روابط خارجی و مشاور خصوصی امیر جماعت اسلامی پاکستان صحبت نمود.

آنگاه از بنده (محمد نسیم فقیری) به حیث نمایندهٔ پروفیسور ربانی و سکرتر جنرال جمعیت اسلامی دعوت شد تا سخنرانی نمایم.

گفتنی است که با معرفی هر مهمان، هزاران تن از حاضران با کف زدن های ممتد و با احساسات از آنان پذیرایی می نمودند.

من طی سخنرانی کوتاه، نخست سلام، احترام و تمنیات نیک پروفیسور ربانی رهبر و همه اعضای جمعیت اسلامی را به پروفیسور اربکان، آقای رجایی کوتان و همه اعضای سازمان جوانان اناتولی و حزب سعادت و مردم ترکیه تقدیم نمودم و سالروز فتح تاریخی استانبول را تبریک گفتم. من در ادامه به روابط نیک و دیرین مردمان دو کشور اشاره نمودم و از اینکه امروز نیز ملت و دولت ترکیه در بخش های تأمین امنیت و بازسازی در کنار مردم ما قرار دارند، ابراز سپاس و قدردانی نمودم.

در ادامه سخنان اظهار داشتم که دوستی مردم افغانستان با مردم ترکیه ریشه در پیوندهای عمیق دینی و تاریخی دارد. بیانیهٔ من با دعای سعادت، بهروزی، پیشرفت روز افزون کشور دوست و برادر ترکیه و صلح، ثبات، آبادی و ترقی افغانستان خاتمه یافت.

در ادامهٔ برنامه، ابوبکر عبدالفتاح مسوول اتحادیه بین المللی اسلامی محصلان سخنرانی نمود و در اخیر حسن امام از ترک های مقیم آلمان به ایراد بیانیه پرداخت.

در دقایق پایانی مراسم، نمایش تمثیلی فتح استانبول به اجرا در آمد که در آن سلطان محمد فاتح و لشکر تحت فرمان او با لباس های رایج همان وقت در چمن ورزشگاه ظاهر شدند و پس از اذان و اقامهٔ نماز فجر به سوی قلعهٔ مستحکم یورش بردند. محافظان به مقابله برخاستند و نبرد شدید در بیرون قلعه در گرفت. سپاه اسلام به رشادت و پایمردی صف مدافعان را درهم شکستند. این نمایش با تکبیر و شعارهای پرشور شرکت کنندگان همایش همراهی می شد.

در پایان چند تن از نمایشگران که در نقش سلطان محمد فاتح و افسران او ظاهر گردیده بودند، با همان لباس ها و شکل و صورت و کلاه و سلاح به لوژ بالا شدند و به پروفیسور اربکان عرض ارادت نمودند پروفیسور نیز آنان را مورد نوازش قرار داد.

در این همایش چند هنرمند آواز خوان نیز در وقفه ها با صدای گیرا وجذاب، آهنگ های حماسی و وطنی را اجرا نمودند و مورد تشویق مردم قرار گرفتند. مراسم با شکوه و به یاد ماندنی فتح استانبول حوالی ساعت یازده شب با نمایش زیبای آتش بازی پایان یافت.



حضور خانم ها در همایش بزرگ سالروز فتح استانبول



فقیری نامهٔ استاد ربانی را به پروفیسر اربکان تقدیم می دارد

دیدارها و نشست های نمایندهٔ جمعیت اسلامی در حاشیهٔ همایش

محمد نسیم فقیری به نمایندگی از جمعیت اسلامی افغانستان جهت شرکت در همایش گرامیداشت از پنجصد و پنجاه و چهارمین سالروز فتح استانبول به روز جمعه ۴ جوزا از کابل وارد انقره گردید.

در میدان هوایی انقره مورد پذیرایی مهمانداران مؤظف قرار گرفت و شام همان روز در محل اقامت (هوتل) با سایر مهمانان دیدار و طی ضیافت شام ملاقات تعارفی نمود.

مشغولیت های فقیری طی اقامت چهار روزه در انقره و استانبول را می توان به دو بخش تقسیم نمود:

دیدارهای رسمی و جمعی که میزبانان آن را ترتیب می دادند.

نشست هایی که به صورت فردی و جمعی به درخواست فقیری صورت گرفت.

قبل از ظهر روز شنبه ۵ جوزا طبق برنامه از مهمانان همایش در دفتر مرکزی حزب سعادت پذیرایی گردید و مهمانان از بخش های مختلف کاری این حزب بازدید نمودند. بعد به دفتر مرکزی سازمان جوانان حزب سعادت رفته و با آقای عتیق آوا رئیس آن سازمان در سالون جلسات ملاقات نموده و از تشکیلات و طرز کار آنان آگاه گردیدند.

ضیافت چاشت را نیز رئیس سازمان ترتیب داده بود.

عصر روز شنبه همایش بزرگ سالروز فتح استانبول در استدیوم وامی برگزار شده بود که گزارش کوتاهی آن در همین شمارهٔ مجاهد به نشر رسیده است.

قبل از ظهر روز یکشنبه ۶ جوزا از قلعهٔ تاریخی انقره بازدید به عمل آمد و نماز ظهر در مسجد تاریخی جامی دایمیر ادا گردید.

در ضیافت چاشت که میزبان آن پروفیسر اربکان بود، از بیانات ایشان نیز استفاده شد بعد از بیانات پروفیسر دیدار مختصر با موصوف صورت گرفت وطی آن نامهٔ استاد ربانی به ایشان تقدیم گردید.

نشست های فردی به درخواست فقیری:

عصر روز یکشنبه ۶ جوزا با عبدالغفار عزیز مشاور خاص و مسؤول روابط خارجی جماعت اسلامی در هوتل ملاقات صورت گرفت و از اینکه جماعت و شخص قاضی حسین احمد در سال های اخیر جهاد و به خصوص پس از پیروزی جهاد، حکمتیار را کمک و همراهی نمود، شکوه گردید، جریان این گفتگو در شمارهٔ آینده تقدیم خواهد شد. همچنین در شام این روز با رمضان یلداش مفتی مسلمانان اتریش نیز به تفصیل در مورد مسایل افغانستان بحث شد.

صبح روز دوشنبه ۷ جوزا با دکتر ادریس بوانو مسؤول روابط خارجی حزب عدالت و توسعهٔ مراکش در مورد اوضاع در افغانستان و مشکلات مجاهدین پس از پیروزی جهاد و بعد حین سقوط طالبان به تفصیل صحبت گردید.

قبل از ظهر همین روز با تیمل ملاقره اوغلو معاون حزب سعادت و عضو کمیتهٔ کنترل "ایسام" یا مرکز تحقیقات اجتماعی و اقتصادی روی مسایل مورد علاقه و به خصوص شرایط حساس کنونی و نقش و موقف مجاهدین، بحث و مذاکره گردید.

بعد از ظهر روز دوشنبه و قبل از سفر به استانبول با آقای رجایی کوتان رهبر حزب سعادت در دفتر کارشان ملاقات صورت گرفت و در مورد مسایل کشور و نقش مجاهدین به اختصار مطالبی بیان گردید که تفصیل آن در شمارهٔ آینده خواهد آمد.

صبح روز سه شنبه در هوتل محل اقامت در استانبول با دکتر صمدی حسن نطاق گروه پارلمانی اخوان المسلمین مصر، دکتر هشام الحمامی مدیر مرکز فرهنگی اتحادیهٔ دکتران عرب در مورد مسایل مورد علاقه و رویدادهای افغانستان و نقش و حضور مجاهدین و به خصوص جمعیت در فضای حسن نیت و اعتماد بحث و مذاکره شد.

شام روز به عزم ترک استانبول و پرواز به کابل راهی میدان هوایی گردیدم.

روز معلم

فرصتی برای چاره جویی دشواری های آموزش وپرورش

عبدالمعین شاهد



همه ساله سوم جوزا به عنوان روز معلم تجلیل می گردد و بدین مناسبت همایش ها و مراسمی برگزار می شود. چنین مناسبتی در کشورهای دیگر نیز وجود دارد اما. بزرگداشت از این روز درکشور ما باید با مراسمی که درکشورهای دیگرصورت می گیرد متفاوت باشد. چون دیگران دیگر دشواری ها و کمبودهای خود را در عرصهٔ اموزش و پرورش تا اندازه یی برطرف نموده اند و با چالش هایی که افغانستان پس از جنگ با آن رو به رو است درد سری ندارند. بناءً بزرگداشت از روز معلم برای ما باید فراتر از برگزاری مراسم تشریفاتی باشد. ما باید این روز را فرصتی قرار دهیم برای اندیشیدن و چاره جوی در مورد مسایل اموزگاران، بهبودی وضعیت زندگی و نقش ایشان، شناخت دشواری ها و نارسایی های اموزش و پرورش در افغانستان و یافتن راه حل ها و راه کارهای بایسته یی برای اصلاح و توسعهٔ آن. با چنین رویکرد و نگاهی ما می توانیم روز معلم را به یک مناسبت با ارزش و سودمند تبدیل نماییم. در این زمینه مسایل فراوانی وجود دارد که می توان از آن میان چند مساله را طرح کرد.

دشواری ها و ضعف کارکردهای اموزگاران

معلمان مانند سایر افراد حقوق بگیر دولت، زیرخط فقر زندگی می کنند. حقوق آنها بسیار ناچیز است. با سه هزار افغانی هیچ معلمی نمی تواند هزینهٔ حداقلی خانوادهٔ خویش را تهیه نماید. بدون شک معلمان ناگزیر می شوند جهت تأمین مصارف زندگی فرزندان خویش، به کارهای دیگری روی بیاورند و وقت خود را در آن صرف کنند. بنا بر مشکلاتی که پیش روی معلمان است بیشترین انها، زمان کافی برای اندیشیدن، بازآموزی وامادگی برای تدریس در اختیار ندارند، نمی توانند اطلاعات خود را بروز نمایند و یا به صورت دوامدار در صنف حاضر شوند. معلمانی که دارای تحصیلات عالی و مهارت های خاص هستند، جهت رسیدن به زندگی نسبتاً بهتر به مؤسسات غیر دولتی روی می آورند.

در برنامهٔ اصلاح و توسعهٔ معارف در افغانستان، لازم است به افزایش حقوق معلمان توجه جدی صورت گیرد. وزارت معارف گاه گاهی طرح هایی مانند ساختن شهرک ها را برای معلمان اعلان می نماید، اگر چنین طرح هایی اجرا گردد، می تواند تا اندازه یی دشواری های اقتصادی آنها را کاهش دهد . لازم است توجه داشت که، تهیهٔ هزینه ساختن خانه بدون مساعدت دولت . برای اکثر معلمان ممکن نیست.

شماری از مکاتب با کمبود معلم مواجه می باشند. برخی معلمان رغبتی به رفتن به صنف ندارند و اکثراً غیر حاضری می نمایند. شمار قابل توجه آموزگاران مخصوصاً در روستاها، فاقد اهلیت آموزگاری هستند، برخی آنها حتا با خواندن و نوشتن آشنایی درست ندارند.

رویکردها و میتود های ناکارآمد

عدم آشنایی با روش ها و ابزارهای پیشرفته یکی دیگر از چالش های آموزش و پرورش در کشور ماست . تقیید کامل و بسنده کردن به مطالب و عبارات کتاب، نپرداختن به توانمند نمودن روحیهٔ تحقیق و پژوهش و عدم ارائهٔ یافته های تازهٔ دانش و تجربه های بشری. از نارسایی های عمده در نظام تعلیم و تربیت افغانستان است.

یکی از اشتباهات تربیتی نظام آموزش و پرورش در کشورما خشونت در مکاتب است که، جا دارد با کمی تفصیل به آن بپردازم. خشونت توسط شماری معلمان و مسوولان اداری معارف صورت

در برنامهٔ اصلاح و توسعهٔ معارف در افغانستان، لازم است به افزایش حقوق معلمان توجه جدی صورت گیرد. وزارت معارف گاه گاهی طرح هایی مانند ساختن شهرک ها را برای معلمان اعلان می نماید، اگر چنین طرح هایی اجرا گردد ، می تواند تا اندازه یی دشواری های اقتصادی آنها را کاهش ده

می گیرد.

خشونت به صورت گسترده در مکاتب وجود دارد. وضعیت از این نگاه در مناطق دور افتاده و روستاها به شکل نگران کننده وخیم است. حتا دانشگاه ها نیز مکان امنی برای جوانان نیست. معلمان و مدیران به منظور گویا فرمانبردار کردن شاگردان و جلوگیری از بی نظمی، دست به ضرب، شتم و تهدید آنها می زنند.

خشونت علیه کودکان گونه های مختلفی دارد و رایج ترین آن ضرب به وسیلهٔ چوب و خط کش، گذاشتن قلم درمیان انگشتان دانش آموز و فشاردادن آن، زدن سیلی و مشت بر سر و روی آنها، ایستاد کردن با یک پا و یا به شکل دیگری در برابردانش اموزان، خشونت های لفظی مانند دشنام و اهانت به شخصیت کودک و گفتن سخنان زشت، رفتارهای عادی شماری از معلمان و مدیران می باشد.

خشونت علیه کودکان و جوانان درمکاتب و مراکزآموزشی یک عمل خلاف حقوق بشری اطفال و خلاف فلسفهٔ آموزش و تربیت است و پی آمدهای ناگوار و ویرانگری به جا می گذارد. خشونت علاقه مندی و رغبت کودکان و جوانان به مکتب وآموزش را از میان می برد، به شخصیت و روحیهٔ ابتکار و حس مشارکت فعال شاگردان لطمهٔ شدید وارد می کند و باز افرینی خشونت و بد رفتاری و نا هنجاری های بی شماری را در جامعه نهادینه می سازد، کودکی که موردخشونت قرارمی گیرد، در آینده برای رسیدن به هدف هایش خشونت را به عنوان آسان ترین شیوه بر می گزینند.

البته معلمان و مدیران طرفدار خشونت، از ضرب و شتم کودکان وجوانان دفاع می نمایند و آن را برای بر قراری نظم در مکاتب و مراکز آموزشی و واداشتن شاگردان به آموختن لازم می دانند ، اما جای شکی نیست که، از نگاه علمی و روش های مدرن آموزش و پرورش، خشونت عملی نا درست و زیانبار است و جز جوامع عقب مانده مانند افغانستان در هیچ جای جهان هواداری ندارد.

برای اصلاح و توسعهٔ معارف و ساختن جامعهٔ سالم باید، جلوگیری از خشونت به صورت جدی مد نظر قرارگیرد ، مبارزه با خشونت باید قانونمند شود، قانونی به میان بیاید، که در آن تعریف و شناسایی موارد جرمی خشونت، جلوگیری و مجازات عاملان آن در نظر گرفته شود.

ضعف زیر ساخت ها و ابزارهای آموزش و پرورش

ضعف زیر ساخت ها و ابزارهای آموزش و پرورش مانند ساختمان، میز و چوکی، لابراتوار و کتابخانه از چالش های عمدهٔ دیگر فرا راه معارف افغانستان می باشد، کمبود صنف باعث شده است، در یک مکتب تا چهار نوبت شاگردان مراجعه نمایند و برای هرنوبتی حدود دو ساعت زمان در نظر گرفته شده است که بسیار ناکافی است. تعداد زیاد کودکان درفضای باز و یازیر خیمه می نشینند و اکثرمکاتب فاقد ازمایشگاه و کتابخانه می باشند.

کتاب و متون درسی به عنوان مهمترین ابزار تعلیم و تربیه، وضعیت اسفناکی دارد. کتاب های درسی از نگاه ادبیات و نگارش پر از نارسایی های محتوایی، بیانی، املایی، انشایی و اشتباهات طباعتی می باشند که نیازی به اوردن مثال نیست. به صورتی که شما اگر هر عنوانی را در کتاب های درسی انتخاب کنید می توانید این نارسایی را به وضوح ملاحظه نمایید. برخی شعرهایی که در کتاب های مطالعهٔ فارسی اورده شده، به علت اشتباهات طباعتی قابل فهم نیستند. مطالب اکثر کتاب ها کهنه بوده و با نیازهای جامعه و نسل فردای ما سازگاری ندارد. اگرچه کتاب هایی که تازه در دسترس شاگردان نهاده شده تا اندازه یی وضعیت خوبی دارند، اما باز هم در زمینهٔ اصلاح کتاب ها و متون درسی و بروز کردن اطلاعات کارهای زیادی پیش رو است که . لازم است به آن توجه شود.

مکاتبی که همان نصاب درسی ناقص را تکمیل می نمایند اندک می باشد و در اکثریت باقی مانده مکاتب، از ۲۰ درصد تا هشتاد درصد نصاب تعلیمی عقب می ماند. در شماری از مکاتب سال پایان می یابد اما برخی کتاب ها آغاز نمی گردد.

کمبودها و نارسایی های آموزش و پرورش افغانستان پایانی ندارد. این عرصه عمدهٔ زندگی مردم ما محتاج توجه ویژه می باشد. لازم است حکومت با همکاری جامعهٔ جهانی، یک طرح ضربتی توان بخشی و توسعهٔ معارف را وضع نمایند و مهمترین دشواری ها را برطرف سازند، البته در پهلوی آن سهم گیری فعال مردم نباید نادیده گرفته شود. مکاتب و مراکز آموزش و پرورش باید رسالت خویش را به عنوان کارگاهی جهت ساختن اندیشه و ساختن توانمندهای انسان فردای این سرزمین به نحو شایسته انجام دهند.

د فلسطین د ملی مقاومت تاریخی

سره تړلي يو، چې طبيعي ده، دې هېوادونو د خپلو ملي ګټو له مخې او له لويديځ سره د اړيکو پر بنسټ تصميمونه نيول، چې دې دريځ د فلسطين پر وسلوال مقاومت منفي اغېزې لرلې.

(۳) دريمه تېروتنه يې دا وه چې دې غورځنګ د ډېرې مودې لپاره له فلسطين څخه د باندې پر وسلوالی مبارزې بوخت و، او د دې مبارزې لازمه وه، چې فتح او بيا وروسته د فلسطين آزادي غوارې غورځنګ په تبليغاتي او سياسي جګړې هم لاس پورې کړي.

په داسې حال کې چې ارواښاد ياسر عرفات هڅه کوله چې د اسرائيلو په مقابل کې اسلامي مقاومت ته پراختيا ورکړي او پياوړي تشکيلات رامنځ ته کړي؛ خو عربي نظامونه د دې پر وړاندې ډول ډول نکونې رامنځ ته کړې، داسې چې د فلسطين د آزادي غوارې غورځنګ ډېر وخت پر همدی شخړو تير شو، چې دې کړکېچونو د فلسطين له آزادېدو سره هيڅ کوم تړاو نه درلود".

شننه زياتوي: "د فلسطين له آزادي غوارې غورځنګ نه د عربي حکومتونو مالي ملاتړ يوبل لامل دی چې د فلسطين د آزادېدو په لاره کې خنډ و، او دا چې د فلسطين مشران له مالي پلوه پر هغوی متکی نو: نو له نا چارې به يې چوپه خوله وو او د عربي دولتونو د ملی ګټو له مخې به يې دريځونه نيول. واقعيت دا دی چې د اسرائيلو د دولت له جوړېدونه مخکې هم عربي دولتونو د فلسطين په قضيه کې برخه

لرله. په ۱۹۴۷ عربي دولتونو خان د فلسطيني ملت وصي وګڼه او د فلسطين د خلکو په نيابت يې د ملګرو ملتونو د عمومي اسامبلي هوکړې ونه منلې چې فلسطين دی په دوو عربي او يهودي هېوادونو وويشل شي. په زړه پورې خو دا ده، چې نن فلسطين له شپېتو کالو تېرېدو نه وروسته د دې هيلو دپلي کېدو په تمه دي او يوازينی هيله يې همدا ده چې د اسرائيلو ترڅنګ دې فلسطيني هېواد ولري."

د شننې په پای کې راغلي دي: "په دقيقه توګه د فلسطين واقعي وسلوال مقاومت په ۱۹۸۷ز کې منځ ته راغلی، يعنی د فلسطين د لومړنی انتفاضې پيل. دا په څرګنده د اسرائيلو په مقابل کې مقاومت و، چې د فلسطينيانو د وسلوالې مبارزې پيلامه ګڼل کېږي: خو دا وسلوال خوځښت له شپږو کلونو تېرېدونه وروسته د فلسطين د آزادي غوارې غورځنګ د قومندانانو د يو ډول سياستونو په پايله کې تت شو.

په ۱۹۸۸ز کال ياسر عرفات پرته له دې نه چې اسرائيل د فلسطين د دولت پر جوړېدو اعتراف وکړي د اسرائيلو د غاصب رژيم پر مشروعيت يې اعتراف وکړ او بيايې په ۱۹۹۳ز کې ورسره د "اسلو" تړون لاسليک کړ. نن په نيول شوي فلسطين کې د اسرائيلو د دولت له جوړېدونه شپېته کاله تېرېږی او داسې ترخې ورځې پر فلسطينيانو تير شوي او تيرېږي چې ويلوته يې اړه نشته: خو بايد دا په پام کې ونيسو چې د فلسطين د آزادی يوازينی لاره د وسلوال مقاومت تداوم او غځونه او پر عربي دولتونو باور نه کول دي هغه دولتونه چې د دار او وېرې بېلګې بلل کېږي"

به بهانهٔ روز معلم

دشواری های معارف ـ چالش ها و راهکارها

پوهندوی عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

روز سوم جوزا به عنوان روز معلم از سوی ارگان های دولتی همه ساله با تشریفات خاص تجلیل می گردد، از مقام علم و معلم سخن گفته می شود، شعرهایی زیادی در مورد معلم سروده می شود و با این سخنان وعده های چند از سوی مسؤولین همراه می باشد؛ اما بعد از این همایش ها، دولت و مقامات مسؤول تا یک سال دیگر به راحتی، معضل معلم و استاد را پایان یافته می انگارند.

گفته می شود که در وزارت معارف ظرف پنج سال اخیر، پنج وزیر به کرسی این وزارت رسیده اند. قبل از این که این وزرا چیزی بیاموزند و گرهی از دشواری های معلم بگشایند تبدیل و به مقام های دیگر منصوب گردیدند و هر وزیری شعاری داد و رفت تا باز وزیر جدید با طرح جدید وارد میدان گردید. روزی شعارهای شاگرد محوری را عنوان کردند، گاهی از کچکول معارف سخن گفتند و زمانی سنگ تهداب شهرک معلم را گذاشتند، و هر یک بیانیهٔ آتشین نثار قد و قامت معلم نمودند و طوری که هم اکنون از آن تصامیم چیزی درمیان نیست. طوری که گفته اند ادای حق و وجیبه در موازات هم قرار دارند، به سخن دیگر وقتی از معلم انتظار برده می شود که برای نسل جوان کارهای ثمر بخش را انجام دهد، باید در جهت حقوق مادی معلم گام های عملی برداشته شود، در حالی که گفته های مسؤولین دولتی ظرف پنج سال اخیر در مورد تأدیهٔ حقوق مساعد برای معلم فقط در سطح یک شعار باقی مانده است.

در اکثریت مکاتب، حتا در شهرهای بزرگ، یک نوع بی نظمی در مکاتب وجود دارد. شاگردان طوری که لازم است، در امتحان ارزیابی نمی گردند، بیشتر از پنجاه در صد کامیابی ها واقعی نیستند، سی در صد شاگردان پارچه های شان سفید می باشد. طوری که اسناد نشان می دهد پنجاه در صد راهیابی شاگردان به دانشگاه ها، متکی به کورس های شخصی آزاد است. در بسیاری از مکاتب، به ویژه در ولایات و ولسوالی ها، شاگردان نمی دانند که موضوع درس آنها چیست، از یک سو کتاب درسی وجود ندارد و از جانب دیگر هم معلم مسلکی.

تعداد داخلهٔ صنوف از ۶۰ الی ۷۰ نفر بالا رفته و ساعات درسی ۳۰ الی ۳۵ دقیقه می باشد که هر دانش آموز فقط نیم دقیقه را در مضمون مورد نظر در اختیار دارد و برای مضامین لسان که هر شاگرد باید به تلفظ و ادای درست کلمات در داخل صنف بپردازد و تمرین صورت گیرد، چنین فرصت وجود ندارد.

در اسنادی که از سوی وزارت معارف به نشر رسیده است، در آن گفته شده که فقط ۲۰ در صد معلمان مسلکی در کشور وجود دارد. با آن هم وزارت کوشیده است تا ۲۳ دارالمعلمین را در کشور فعال سازد و از جانب دیگر از سیستم داخل خدمت استفاده شده است که یک قدم نیک در جهت ارتقاء کیفیت معلمین در کشور می باشد. از سوی دیگر کورس های پیداگوژیکی و میتودیکی در وقفه های سال های اخیر برای معلمین فراهم گردیده است. این وزارت در نظر دارد که در تمام ولایات کشور و آن ولایاتی که در آن دارالمعلمین وجود ندارد، به تشکیل این نهاد تعلیمی بپردازد، اگر این کار فقط شعار نبوده باشد، می تواند در جهت رفع کمبود معلم اقدام نیکو باشد، اما عدم استادان مسلکی نبود تعمیرات رهایشی و تدریسی در جهت تکمیل این مأمول و آن هم در شرایطی که این وزارت همه روزه از نبود بودیجهٔ کافی، سیستم تشکیل بیشتر شکایت دارد.

طوری که این وزارت در سال گذشته برنامهٔ خاصی را تدوین نمود، تا برای معلمین کشور قرضهٔ مساعد و دراز مدت را فراهم نماید، تا این قشر فقیر جامعه قادر گردند. برای خود سرپناه درست نمایند، اما این برنامه تا اکنون عملی نگردیده است. اگر وزارت معارف بتواند رهبری دولت را در این راستا متقاعد سازد، در حقیقت این وزارت می تواند به حل مشکل معیشتی معلمین خویش تا حدودی قادر گردد.

بدون شک در بازسازی آیندهٔ معارف در کشور توسعهٔ مکاتب مسلکی و کارگران مسلکی در زمینه های مختلف، باید از عمده ترین اهداف معارف در کشور به حساب آید، چیزی که آیندهٔ کشور بدان مربوط می باشد. این کار می تواند برای جوانان کشور فرصت های آموزشی و ارتقای کیفی تعلیمی را به وجود آورد. آنچه در این راستا مهم و با ارزش می باشد، همانا سرمایه گذاری بزرگ در جهت ایجاد یک نیروی مؤثر و فعال بشری است که از طریق تعلیم و تربیهٔ سالم، فراگیر، افغانستان شمول و متوازن به دست می آید.

گفته می شود که در وزارت معارف ظرف پنج سال اخیر، پنج وزیر به کرسی این وزارت رسیده اند. قبل از این که این وزرا چیزی بیاموزند و گرهی از دشواری های معلم بگشایند تبدیل و به مقام های دیگر منصوب گردیدند و هر وزیری شعاری داد و رفت تا باز وزیر جدید با طرح جدید وارد میدان گردید

بازسازی نظام معارف در کشور باید در صدر اولویت های کاری دولت قرار گیرد و حمایت جامعهٔ جهانی در راه تحقق این مأمول باید مطالبه گردد. بازسازی معارف کشور ایجاب می نماید تا یک استراتژی ملی در این راستا طرح و تدوین گردد.

گفته اند که فردا از همین روز آغاز می شود و بدون شک آغاز گران جامعهٔ فردای افغانستان، نظام آموزش و پرورش، جوانان و تربیهٔ سالم آنهاست. آیندهٔ از ما می خواهد که لیاقت زندگی کردن را در آینده ها داشته باشیم؛ زیرا زندگی خواب پریشان نیست، بلکه با تمدن و جهان یکجا زیستن است. وضعیت کنونی کشور از ما می طلبد تا خود را برای زندگی کردن به فردا آماده سازیم این آمادگی قبول یک سلسله تغییرات ، در نظام آموزش و پرورش ماست. وقتی ما آینده را بهتر از امروز پاسداری کرده می توانیم که امروز را به نفع فردا تغییر دهیم و این تغییر فقط از طریق معارف سراسری، متوازن میسر شده می تواند که دولت در یک استراتژی کلان یکجا با همکاری جهانی و شریک مساعی افراد کشور میسر شده می تواند.

وضعیت کودکان در کشور

دشـواری هـا و راه حـل هـا

تکساری



کودکان یتیم و بی سرپرست که نان آور خانه های شان می باشند، وجدان هر بیننده را متأثر می سازند که با لبان خشکیده، پاهای برهنه و لباس های مندرس به کارهایی حقیر در کنار کوچه و بازار می پردازند

***

جنگ و بحران های اجتماعی که هم اکنون در کشور وجود دارد و برخی از مناطق کشور در شعله های آن می سوزد زندگی زنان و کودکان را تحت تأثیر قرار می دهد. با از بین رفتن بزرگان خانواده، مصیبت بر آنان نازل می شود

روز کودک در افغانستان در شرایطی تجلیل می گردد که بیشتر از ۶ میلیون کودک معروض به خطر جدی اند. کودکان این سرزمین را خطرهای اعتیاد به مواد مخدر، انجام کارهای شاقه، سوء استفاده های جنسی، ازدواج های قبل از وقت، سربازگیری در جبهات جنگ، نبود محیط سالم برای آموزش و پرورش و... تهدید می نماید.

کودکان نسبت به هر قشر دیگر جامعه، در افغانستان، به ویژه در روستاها و دور دست های کشور از امکانات آموزشی، تفریحي و رفاه اجتماعی محرومند. بسیاری از آنها در اثر فشار فقر و تنگدستی خانواده های شان به کار اجباری و شاقه مشغولند.

ربودن کودکان و استفاده از آنان در جهت کارهای ضد کرامت انسانی و تربیهٔ آنها در جهت اعمال تخریبی و تروریستی چیزی است که امروز به یک معضل بزرگ در کشور تبدیل گردیده است و دولت هم با محدودیت های مادی و مالی و نداشتن برنامه های مؤثر اجتماعی، نتوانسته است به این امر بزرگ رسیدگی نماید.

رسیدگی به حیات هزاران کودک بی سرپرست و یتیم به یک مبارزهٔ مستمر و به یک استراتژی ملی نیاز داردکه در جهت رفع آن باید حمایت جامعهٔ جهانی کسب گردد.

ارقام دقیق کودکان زیر سنین ۱۹ سال که از آموزش و پرورش به دورند و به کارهای شاقه مشغولند معلوم نیست، اما گفته می شود که رقم آنان بالاتر از ۶ میلیون می باشد. رسیدگی به امر آموزش و پرورش کودکان نه تنها از مکلفیت های جدی دولت محسوب می شود، بلکه یک امر دینی و اخلاقی نیز می باشد، طوری که پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم فرموده است: "هرکه بزرگان را احترام نکند و کودکان ما را نوازش ننماید، از ما نیست". کودکان یتیم و بی سرپرست که نان آور خانه های شان می باشند، وجدان هر بیننده را متأثر می سازند که با لبان خشکیده، پاهاي برهنه و لباس های مندرس به کارهایی حقیر در کنار کوچه و بازار می پردازند. کودکان شکار مواد مخدر گردیده اند و یا به کار تهیهٔ مواد مخدر در مزرعه ها مشغول می باشند. دیده شده است که این کودکان در اثنای کار در مزرعهٔ خشخاش و چیدن شیرهٔ این مرگ تدریجی بشریت و با لیسیدن دستان خویش معتاد گردیده اند.

جنگ و بحران های اجتماعی که هم اکنون در کشور وجود دارد و برخی از مناطق کشور در شعله های آن می سوزد زندگی زنان و کودکان را تحت تأثیر قرار می دهد. با از بین رفتن بزرگان خانواده، مصیبت بر آنان نازل می شود.

هر قدر جنگ، آشوب در کشور ادامه یابد و هر قدر دهشت افگنان به خاطر اهداف سیاسی خویش پیام خون و آتش را به ارمغان بیاورند، به همان اندازه معضلات و دشواری های این کشور با گذاشتن لشکر بیکار، معلول و یتیم بر تراژیدی این سرزمین افزوده خواهد شد.

به خاطر تقلیل از آلام این قشر محروم و قابل کمک لازم است، دولت راهکارهایی را روی دست گیرد که به برخی از آن پرداخته می شود:

- دولت باید در مرکز و ولایات کشور، مراکز محافظتی کودکان و نوجوانان را ایجاد نماید و به کار آموزش و پرورش آنها بپردازد، تا آنها به حرفه های مختلف آشنا گردند و بر دولت است تا در این راستا سرمایه گذاری نماید.

- این کار به یک استراتژی ملی و سراسری نیاز دارد، بر دولت لازم است،کمک و همکاری مردم در راه این خدمت بزرگ را جلب کند، بدون همکاری مردم، دولت به تنهایی نمی تواند بر این مشکل چیره شود.

- وزارت کار و امور اجتماعی، مؤسسات داخلی و خارجی و وزارت های ذیربط باید در یک جمع آمد، به این امر مهم بپردازند: زیرا کار به سکل جداگانه کمتر مؤثر خواهد بود، هر قدر این نیروهای متحد گردند، بر مؤثریت این کار افزوده خواهد شد.

- امروز کشورها و کمک رسانان در یک تاریکی قرار دارند و احصائیهٔ دقیق این کودکان یتیم، بی سرپرست و بی بضاعت در اختیار آنها نیست، باید کودکانی که در شهرها به کارهای شاقه مشغولند و یا به اجبار از سوی خانواده هایی که نان آور خود را از دست داده اند، به خارج از منزل رانده شده و به کاری پردازند، تشخیص و بعد از اتمام این ارقام برنامه هایی مشخص عملی طرح و تطبیق شود.

- ایجاب می نماید که در مرکز و ولایات کشور به تأسیس و ایجاد شفاخانه و کلینیک اقدام شود، تا کودکان مصاب به مواد مخدر در آن مراکز تداوی گردند؛ زیرا هم اکنون یک چنین مراکز عمده و اساسی برای تداوی کودکان معتاد وجود ندارد.

- جلب کمک های بین المللی، سازمان یونسیف، سازمان جهانی حمایت از کودکان و کودکان کشورهای اسلامی مطالبه گردد، و جریان موجودیت میلیون ها کودک یتیم، بی بضاعت و سرپرست برای کشورهای کمک کننده، کمک رسانان و سازمان های بین المللی با ارقام و آمار تشریح و توضیح گردد. تا آنها بتوانند کمک های خود را به طور شفاف به کار بندند.

- دشواری ها و معضلات کودکان در افغانستان، با تشریفات و سر دادن شعارها پایان نمی پذیرد، باید آحاد جامعه یکجا با ارگان های ذیربط دولتی، مؤسسات، کشورها و نهادهای همکار به این نسل در یک پروژه و برنامه فعالیت های خویش را هماهنگ سازند در غیر آن از میان بردن این همه تراژدی از توان یک و یا چند وزارت، کمک رسان به دور خواهد بود.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالی‌ترین آرزوهای ملت

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

دور ششم　سال ششم　شمارهٔ هفتم　شنبه ۱۲ جوزا ۱۳۸٦　۱٦ جمادی الأول ۱٤۲۸ –　02 June , 2007

تظاهراتی در اعتراض به اخراج ملالی جویا از مجلس نمایندگان

روز چهارشنبه گذشته گروهی هشتاد صد نفری در مقابل دفتر یوناما در شهر کابل گرد آمدند و در اعتراض به اخراج ملالی جویا از مجلس نمایندگان دست به تظاهرات زدند. آنان بر ضد محمد یونس قانونی رئیس شوری و شماری از رهبران مجاهدین و اعضای پارلمان شعار می دادند و خواهان بازگرداندن ملالی جویا به پارلمان شدند.

عضویت ملالی جویا در جلسهٔ روز ۳۱ ثور مجلس نمایندگان به حالت تعلیق در آمد.

ملالی جویا به عنوان نمایندهٔ مردم فراه به مجلس نمایندگان در انتخابات پارلمانی راه یافت. او چندی پیش در مصاحبه یی با تلویزیون طلوع شورای ملی افغانستان را طویله (اصطبل) و نمایندگان مردم در آن را بدتر از گاو و خر و سگ خوانده بود.

عضویت او به جرم این اهانتش به پارلمان و اعضای آن در جلسهٔ روز ۳۱ ثور به سخن آقای قانونی رئیس مجلس به اتفاق آراء به حالت تعلیق قرار گرفت.



بسیار جالب است که یک نفر از نمایندگان حتی یکی از نمایندگان زن ولسی جرگه هم از خانم جویا در برابر این تصمیم حمایت نکرد، تنها سازمان دیده بان حقوق بشر بود که با اصدار اعلامیه یی از اعضای پارلمان خواست ملالی جویا را به پارلمان باز گردانند. در این اعلامیه از قول رئیس بخش آسیایی سازمان دیده بان حقوق بشر براد آدمس آمده است که اخراج ملالی جویا از پارلمان به اساس اظهارات اخیر او مخالف اصل آزادی بیان است و در گذشته بعضی دیگر از اعضای پارلمان هم یکی دیگر را با چنین سخنانی یاد کرده اند ولی هیچ یک از پارلمان اخراج نشده اند و نیز ملالی جویا در این اعلامیه آواز بلند حقوق زن در افغانستان خوانده شده است.

عبدالستار خواصی منشی مجلس نمایندگان این اعلامیهٔ دیده بان حقوق بشر را در مصاحبه یی با بی بی سی مداخلت در امور پارلمان خواند و گفت که به کسی اجازه نمی دهند که در امور پارلمان مداخلت کند و افزود: اگر ملالی جویا از پارلمان عفو بخواهد آنان دربارهٔ بازگردانیدن او به مجلس نمایندگان باز نگری خواهند کرد.

احتمال می رود برخی از منابع دیگر هم به گونه یی بر بازگردانیدن خانم جویا به پارلمان پافشاری کنند دیده شود که آیا پارلمان بر سر فیصلهٔ خود دربارهٔ اخراج ملالی جویا خواهد ایستاد و یا تحت فشار تنازل خواهد کرد؟

"پیام مجاهد" بزرگ شد

چندین شماره است که هفته نامهٔ پیام مجاهد در قطع بزرگتر به چاپ می رسد.

هفته نامهٔ پیام مجاهد در یازدهم سال خود قرار دارد و چندی پیش ده سالگی اش را تجلیل کرد. زمانی که نیروهای دولت اسلامی افغانستان به رهبری استاد ربانی شهر کابل را در ۵ میزان ۱۳۵۸ ترک کردند و طالبان آن را به تصرف خود درآوردند، دولت مجاهدین در داخل کشور فاقد نشریه شد و پیام مجاهد در سال ۱۳۷۵ توسط شهید مسعود قهرمان ملی کشور به عنوان ارگان نشراتی مجاهدین افغانستان که در آن وقت زیر یک پرچم جمع شده بودند شروع به فعالیت کرد.

پیام مجاهد از آن زمان تا چند شماره پیشتر در قطع A4 منتشر می شد، اما اکنون قطعش را بزرگ تر کرده است و بر حجم و مساحت مطالب آن افزوده و با رسم الخط عنوان و آرایشش از همهٔ نشریه های هم اندازه اش به هفته نامهٔ مجاهد بسیار شبیه شده است، به حدی که حتی برخی از آشنایان نزدیک به هر دو هفته نامه گاهی در تشخیص آن دو به اشتباه رفته اند.

هفته نامهٔ پیام مجاهد از آغاز تا کنون به مدیریت مسؤولی آقای عبدالحفیظ منصور منتشر می شود و با تحلیل و دیدگاه های ایشان جایگاهی ویژه در میان نشریه های خوب و خوانندگان دارد.

مجاهد این تحول در پیام مجاهد را فال نیک می گیرد و آن را به مدیر مسؤول دانا و توانایش آقای منصور و به همهٔ علاقه مندان آن تبریک و تهنیت می گوید.

د فلسطين د ملي مقاومت تاريخي تېروتنې

په نيول شوی فلسطين کې د يهودي دولت له جوړېدو نه شپيته کاله تېر شول، دا دولت په ۱۹۴۸ د مې په پنځلسمه جوړ شوی او له هماغې ورځې راهيسې د خپلې نيول شوې خاورې مساحت لاپسې پراخوي.

د البيان ورځپاڼې څېړونکی احمد عمرابی په دې اړه يوه شننه لري چې ژباړه يې لولو: "د فلسطين په اړه په ارزونه کې دې پايلې ته رسيږو چې په تېرو شپېتو کلونو کې د فلسطين د ملي مقاومت په ترڅ کې درې سترې استراتيژيکې تېر وتنې شوي دی چې دا دي!

(۱) په فلسطين کې د اسرائيلو د دولت له جوړېدونه لس کاله وروسته د فلسطين د وسلوال مقاومت خوځښت پيل شو؛ يعنی په ۱۹۵۸ز کې د فتح غورځنګ له فلسطين نه بهر جوړ شو او غوښتل يې د اسرائيلو پرضد په عملياتو لاس پورې کړي؛ خو يو عربي هېواد هم ورته اجازه ورنه کړه چې له هېواده يې د اسرائيلو پرضد وسلوال مقاومت رهبري کړي؛ نو ځکه د فتح غورځنګ او وروسته د فلسطين آزادي غوښتونکي غورځنګ له سياسي جګړې پرته چاره نه لرله، چې د هغې زمانې د شرايطو په پام کې نيوو سره په دې مبارزاتي دود پر هغوی ځه نيوکه نه شته او نه شو ويلای، چې دا ډول مبارزه د دې غورځنګ سازماني او سياسي کمزوري ده؛ خو يوازې دا

دول مبارزاتي دود له اسرائيلي يرغلګرانو سره د مبارزې لپاره بسيانه و او د هغوی ترڅنګ يې بايد وسلوال مقاومت هم پيل کړی وای او خپل اصلي زور يې پر همدې اړخ اچولی وای.

(۲) دويمه تېر وتنه يې دا وه، چې د فلسطين د مقاومت غړيو او مشرانو له عربي حکومتونو

پاتې ۶مخ

اعلامیه مشترک وزرای خارجه گروه هشت و وزرای خارجه افغانستان و پاکستان



۳۰ می ۲۰۰۷ ، پوتسدام، آلمان

وزرای خارجه گروه هشت و وزرای امور خارجهء افغانستان و پاکستان به تاریخ ۳۰ ماه می (۹ جوزا) گردهم آمدند تا به تجدید وتحکیم تعهد خویش برای تأمین امنیت وثبات و صلح دراز مدت در افغانستان و منطقه بپردازند. این دسته از کشور ها یک بار دیگر تعهداتی را که در ماه جنوری ۲۰۰۶ در چهارچوب توافقنامهء افغانستان (افغانستان کامپکت) متقبل شده بودند، یاد آور شوند و بر تداوم کمک های جامعهء بین المللی به عنوان عنصر اساسی در مبارزهء جهانی بر ضد تروریزم و در راه رشد آزادی، دموکراسی، حاکمیت قانون، حقوق بشر، رشد اقتصادی و فرصت های اقتصادی تأکید نمودند.

وزرای خارجهء گروه هشت با تأکید بر منافع مشترک، اقدامات مشترک در راه گسترش و نهادینه ساختن صلح، امینت و توسعه در منطقه را خاطر نشان نموده و بر این نکته پافشاری نمودند که جامعهء جهانی به خاطر رسیدن به این هدف، از هیچگونه مساعی دریغ نخواهد ورزید.

در عین حال، وزرای خارجهء گروه هشت از اعلامیهء حسن روابط همجواری کابل مؤرخ ۲۲ دسامبر ۲۰۰۲ و بیانیهٔ مؤرخ ۲۳ جون ۲۰۰۵ افغانستان و پاکستان نیز یاد و تأیید نمودند که جرگه مشترک صلح و امنیت (جرگه امن منطقه یی) میان افغانستان و پاکستان و افزون بر آن، تعهدات افغانستان و پاکستان که در اعلامیهء انقره مؤرخ ۳۰ اپریل ۲۰۰۷ انعکاس یافته است، زمینه ساز همکاری ها و تلاش های مشترک برای رشد امنیت و رفاه مردم این دو کشور (افغانستان و پاکستان) به شمار می رود.

وزرای خارجهء گروه هشت همچنان از پیشنهاد پاکستان به منظور میزبانی از جلسه بعدی کنفرانس همکاری های منطقوی برای افغانستان (RECCA) ، تقدیر به عمل آوردند.

وزرای خارجه گروه هشت و وزرای امور خارجه افغانستان و پاکستان به تجدید تعهد در مبارزه بر ضد تروریزم در همهٔ ابعاد آن تأکید و بر اهمیت نقش امنیت در بازسازی و رشد دراز مدت منطقه و به ویژه افغانستان پافشاری نمودند. افزون بر آن این کشورها تعهد کردند تا بر حمایت از میانه روی، مبارزه بر ضد همه اشکال افراط گرایی و تروریزم که شامل اقدامات هماهنگ کننده بر ضد مراکز ایدئولوژیک، تمویل و آموزش این دسته از گروه ها نیز می باشد، ادامه بدهند.

آن ها بر ارتباط میان تروریزم، قاچاق مواد مخدر و جرایم سازمان یافته در منطقه انگشت گذاشتند و تأکید کردند که هدف شان متمرکز ساختن تلاش های تمام جوانب ذی دخل در این قضیه می باشد، تا بر ضد این تهدید، تشریک مساعی صورت بگیرد.

وزرای خارجهء گروه هشت و وزرای امور خارجه افغانستان و پاکستان بر تجدید تعهد حکومت های شان به منظور تقویت همکاری ها و گفتگوها میان کشورهای متبوع خویش و حکومت های شان در تمام سطوح و به صورت خاص، در عرصه های امنیت، مسایل پناهندگان، رشد اقتصادی و گسترش تماس ها میان نهادهای جامعه مدنی پرداختند و تأکید نمودند.

اعضای گروه هشت متعهد گردیدند تا با حکومت های افغانستان و پاکستان در امر حمایت از تلاش های این دو کشور از طریق همکاری هدفمند در پروژه های زیربنایی ساحات مختلف، به صورت تنگاتنگ کار نمایند.

وزرای خارجه گروه هشت بر اهمیت همکاری های عملی میان افغانستان و پاکستان در خصوص نگرانی های امنیتی بین دو کشور همسایه، تأکید ورزیدند.

اعضای گروه هشت اهمیت توسعهء درازمدت و پایدار را که منجر به ابتکارات مشترک در عرصه های اقتصادی، بازسازی، زراعت، گسترش تجارت منطقه یی با اعمال کنترل مناسب صادرات و واردات و به هم پیوستگی های ترانسپورتی میان افغانستان و پاکستان و همچنان با سایر کشورهای همجوار و به ویژه با کشورهای آسیای میانه و جنوب آسیا مورد تأیید مجدد قرار دادند. این کشورها همچنان بر اهمیت دخیل ساختن و رشد بخش خصوصی به گونه یی که در برگیرنده، کمک های مالی و تکنولوژیک به منظور کمک به بنیاد گذاری یک اقتصاد پویای محلی و زیربناهای ضروری باشد، تأکید نمودند.

گروه هشت همچنان دفتر کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان (UNHCR) و حکومت های افغانستان و پاکستان را در امر مهم برگرداندن مهاجرین افغان از پاکستان به افغانستان، تقدیر نمودند. این دسته از کشورها بر تعهد اعضای گروه هشت در امر همکاری و فراهم نمودن مقدمات بازگشت مهاجران افغانستان به صورت دوامدار، تأکید نمودند و افزون برآن در کنار مساعدت ها و کمک هایی که پیشتر در این عرصه صورت گرفته است، به مساعی و تلاش های بیشتر در جهت کمک و مهیا ساختن شرایط بهتر برای مهاجرین عودت کننده به افغانستان وهمچنان در ساحات مهاجر نشین در پاکستان، تأکید ورزیدند.

همچنان کشورهای گروه هشت بر اهمیت رشد و گسترش تماس ها میان نهادهای جامعهء مدنی به عنوان یکی از اقدامات اعتماد سازی میان افغانستان و پاکستان تأکید ورزیدند و بر حمایت استوارتر از مناسبات و روابط میان نمایندگان سیاسی، اعضای پارلمان، رسانه ها، پوهنتون ها و علاوه بر آن به مناسبات در عرصه های ورزشی و جامعهء مدنی در شکل گسترده تر آن، مهر تأیید گذاشته و بر آن تأکید صریح نمودند.

کشورهای عضو تأکید نمودند که گروه هشت در موجودیت سازمان ملل متحد وبا استفاده از سایر میکانیزم های منطقه یی و دو جانبه، کار خواهد نمود که افغانستان و پاکستان را حمایت کند تا پروژه های زیربنایی ابتکاری را که با پیگیری گروه هشت و در مشورت نزدیک با این گروه طی یک توافقنامه با افغانستان و پاکستان مشخص خواهد شد، پیگیری نمایند و به انجام برسانند. مبتنی بر همین پالیسی، در زودترین فرصت ممکن یک جلسهء کارشناسی برگزار خواهد شد تا پروژه های مورد نظر را به صورت مفصل مورد تشخیص و ارزیابی قراردهد و متعاقب آن فهرست نهایی پروژه های ارزیابی شده مورد نظر را در جلسه یی که قرار است در خزان سال روان در شهر برلین آلمان برگزار گردد، مورد تأیید قرار دهد.

(از سایت صبح بخیر افغانستان گرفته و ویراسته شده است).